

کاهش فقر، از طریق بنگاه‌های کوچک

ترجمه: میکائیل عظیمی *

۱- ماهیت فقر و اهداف هزاره:

بهره‌وری کار کنند. بدین ترتیب آنها می‌توانند فقر را کاهش دهند. نکته مهم، چالش کاهش فقر از طریق توسعه بنگاه‌های کوچک است.

هسته مرکزی مبارزه با فقر، دسترسی به کار است، کار به مردم اجازه می‌دهد که برای خود غذا فراهم کرده و پولی که برای خرید کالاها و خدمات نیاز دارند را به دست آورند. همچنین کار از طریق مالیات، موجب خلق ثروت شده و به دولت اجازه می‌دهد که هزینه خدماتی چون مراقبت‌های بهداشتی، آب آشامیدنی و آموزش را فراهم کند. با این وجود کار و به طور ویژه کار شایسته، به آسانی به وجود نمی‌آید؛ بلکه در خلال یک نظام متعادل و پیچیده از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فراهم می‌شود. کار، هسته اصلی کاهش فقر است.

۱-۱: یک اجماع در حال شکل‌گیری

یک اجماع در کار شکل‌گیری درباره کاهش فقر و بنگاه‌های کوچک وجود دارد که دو نکته محوری را شامل می‌شود. نکته اول آن است که جمعیت زیادی در کشورهای فقیر در بنگاه‌های کوچک و خرد (MSE) فعال هستند و حتی در کشورهای ثروتمندتر، نسبت قابل توجهی از جمعیت در بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) کار می‌کنند. در کشورهای فقیر بنگاه‌های کوچک و متوسط، اماکنی هستند که افراد فقیر از روی انتخاب یا از روی ضرورت در آنها کار می‌کنند. نکته دوم در این اجماع، آن است که فضاها و امکانات کارکردی، چگونه توسعه بخش خصوصی و به طور ویژه SED را برای رسیدن به مرحله تثبیت، مورد حمایت و پشتیبانی قرار می‌دهند. این نکات در گزارش اخیر کمیسیون UNDP درباره بخش خصوصی و توسعه، کارآفرینی غیر اجاره‌ای و در گزارش‌های مشابه دیگر نیز اشاره شده‌اند. فضاهای عمومی عبارتند از: یک محیط قانونی، مقررات و سیاستی ساده، سریع، ارزان و عاری از فساد، مالی‌های با هزینه کم در حد امکانات، کارگرانی که برای مهارت‌های مورد نیاز آموزش دیده‌اند، بهداشت و آموزش پایه که سرمایه انسانی را تقویت کند، فرهنگی که کارآفرینی را حمایت کرده و پاداش دهد و دسترسی به بازارهای خارجی و داخلی.

برای بسیاری از افراد فقیر، کار به معنای مالک بودن یا کارگر بودن در یک بنگاه کوچک است. افراد فقیر اغلب با عنوان مالک، مدیر و کارگر منفرد در بنگاه‌های خود کار می‌کنند یا آن‌که اعضای خانواده آنها نیروی کارموردی و یا دایمی آنها هستند. در بسیاری موارد، افراد فقیر برای چنین کاری انتخاب می‌شوند چون آنها یا انتخاب محدودی دارند، یا امکان دیگری برای کسب دستمزد مناسب در قبال کار، ندارند و یا آن‌که کار آنها در مزرعه خانوادگی، پاسخگوی نیازهای خانوار نیست. این گونه افراد تلاش می‌کنند تا از طریق کار برای خود، از کار برای گریز از فقر، فراتر روند. توسعه بنگاه‌های کوچک (SED) برای ایجاد محیطی است که کارفرمایان و کارگران بتوانند دقیق‌تر و ایمن‌تر، همراه با

* دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه پونا (هندوستان)

۱- این نوشتار ترجمه منتخب و خلاصه شده‌ای از گزارش زیر است:

Paul Vandenberg, 2006, "Poverty reduction through small enterprises Emerging consensus, unresolved issues and ILO activities", International Labour Office, Geneva

هدف اول، کاهش فقر شدید و گرسنگی است. این هدف شامل دو هدف زیرین است: کاهش ۵۰ درصدی نسبت افرادی که در فقر شدید (زندگی با روزی کمتر از یک دلار) به سر می‌برند و کاهش ۵۰ درصدی نسبت افرادی که از گرسنگی رنج می‌برند. دوره زمانی این هدف ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ است. مهلت مقرر و نهایی برای رسیدن به این هدف ۲۰۰۵ است. این سال برای سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی فراگیر که فرآیندها را دنبال می‌کنند و مسیری را برای دهه پایانی طراحی می‌کنند، سال مهمی است. پروژه هزاره UNDP که توسط جفری ساکس، هدایت و رهبری می‌شود اخیراً با طراحی هشت عامل موظف برای اهداف توسعه هزاره، فعال بوده است. این عوامل گزارش و خلاصه گزارشی با عنوان سرمایه‌گذاری در توسعه یک برنامه عملی برای رسیدن به اهداف هزاره را تهیه کرده‌اند که در اوایل ۲۰۰۴ منتشر شده است. سازمان بین‌المللی کار در سه عامل مشارکت داشته است. این عوامل با فقر، جنسیت و ساکنان محلات پست شهرها ارتباط داشتند.

درباره فقر اغلب ارزیابی‌های اخیر، جهان را به عنوان یک کل در نظر داشته‌اند و مناطق یا کشورهای خاصی را مدنظر قرار نداده‌اند. همان‌طور که در جدول ۱-۱ نشان داده شده است، بیشترین کاهش فقر در آسیای شرقی رخ داده که احتمالاً این روند تداوم خواهد داشت. این منطقه و آسیای جنوبی احتمالاً به هدف تعیین شده خواهند رسید؛ اگر چه در برخی از کشورهای این منطقه، هدف مذکور محقق نخواهد شد؛ زیرا در سال ۱۹۹۰ بسیاری از فقرای جهان در آسیا زندگی می‌کردند. بنابراین فرایندی پیوسته برای دستیابی به هدف عمومی فوق باید تقویت شود. برعکس، آمریکای لاتین پیشرفت کمی تا آن تاریخ خواهد داشت. به هر صورت منطقه اصلی مورد توجه، مناطق پایین‌تر از صحرای آفریقا است. جایی که تعداد فقیران از ۲۲۷ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ به ۲۱۴ میلیون نفر در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته و انتظار می‌رود که در طی دهه آتی نیز افزایش یابد (جدول ۱-۱) آنکتاد (۲۰۰۲ ص ۱۵) اخیراً بر اجماع رو به رشد^۱ توجه نموده و تأکید کرده که آفریقا به هدف کاهش فقر خواهد رسید؛ زیرا اهداف بر اساس نسبت‌هایی از جمعیت تعیین شده‌اند. لذا با افزایش تعداد فقیران، درصد فقرا ثابت باقی خواهد ماند. حتی در صورتی که تعداد افراد فقیر افزایش یابد، نسبت جمعیتی که با یک دلار در روز در آفریقا زندگی می‌کنند، احتمالاً طی یک دوره ۲۵ ساله کاهش اندکی داشته باشد.

اهداف توسعه هزاره بر فعالیت دولت‌ها، NGOs نهادهای بین‌المللی و محققان پدیده فقر تمرکز کرده است. در نتیجه تلاش بیشتر، مصروف شناسایی ماهیت فقر و گسترش و آزمون راه‌های کاهش آن خواهد شد.

این اجماع در حال شکل‌گیری. نشان از اطمینان دوباره و مساعدت عمومی به گسترش راهبردهای ضد فقر SED است. به هر صورت مسایل آزمون نشده، بررسی نشده و مطالعه نشده‌ای در این اتفاق نظر باقی مانده‌اند. در این خصوص سه مفهوم اصلی وجود دارد: نخست، تاکنون فرایند بلند مدت و کاملی طی نشده که نشان دهد چگونه بنگاه‌های متوسط که درآمد کم و موقعیت‌هایی برای فقرا فراهم می‌کنند به بنگاه‌های کوچک تبدیل می‌شوند که اشتغال با ثبات، درآمد خوب و موقعیت‌های کاری شایسته و بهره‌ور فراهم می‌کنند. این فرایندی است که طی آن M در ابتدای MSE (بنگاه‌های متوسط) به M در SME (بنگاه‌های کوچک) تبدیل می‌شود. تاکنون حلقه‌های مفقوده‌ای در ساختار تولید بسیاری از کشورهای در حال توسعه شناسایی شده‌اند؛ اما بیش از آن ضروری است تا اقداماتی برای فهم این مطلب انجام شود که آیا این حلقه‌های مفقوده می‌توانند گسترش یابند یا خیر.

نکته دوم آن است که اگر چه اثر فعالیت‌های SED بر کاهش فقر به اثبات نرسیده است؛ اما اغلب این‌گونه فرض می‌شود. از طرف دیگر اگر چه فهم ما در حال رشد و گسترش است؛ اما هنوز روشن نیست که اثر این فعالیت‌ها چگونه ارزیابی شود و حتی تکنیک‌هایی که بدین منظور شناسایی شده‌اند نیز اغلب استفاده نمی‌شوند. بنابراین این امر نکته‌ای بحرانی (چالش برانگیز) برای مؤسسات خیریه، NGOها، دولت‌ها و مؤسسات بین‌المللی (همچون ILO) است که چگونه زمینه‌های بهترین سرمایه‌گذاری زمان و پول در SED را شناسایی کنند.

نکته سوم آن که تعادل مناسب میان بازارهای آزاد و فرایندهایی که به صورت اقتصادی پیگیری می‌شوند از یک طرف و حمایت و مداخله فعالان غیر خصوصی از طرف دیگر، هنوز شناسایی نشده‌اند. برای مثال، سطوح بالای رشد و کاهش فقر در شرق آسیا نتیجه بازارهای آزاد بوده است یا نتیجه مداخله عادلانه و مدیریت بازارها توسط سیاستگذاران؟ بنابراین اجرای راهبردهای ضد فقر SED هنوز در دوران نوزادی به سر می‌برد. به عبارت دیگر اگر چه مسایل زیادی آموخته شده‌اند اما فرایند یادگیری در این زمینه در ابتدای راه و به تازگی آغاز شده است.

۱-۲: محیط بین‌المللی و MDGs

تمرکز جامعه بین‌المللی بر کاهش فقر از اوایل دهه ۱۹۹۰ به وجود آمده است. نشست جهانی توسعه جهانی در کپنهاگ (۱۹۹۵) و در مرحله بعد نشست هزاره در نیویورک (۲۰۰۰) سیاست‌های قابل ملاحظه‌ای را برای کاهش فقر عمومی فراهم کردند. بر خلاف بسیاری از نشست‌ها که مقامات بلند پایه را گردهم می‌آورند تا جملاتی مبهم ارائه کنند، این نشست‌ها هشت هدف توسعه هزاره (MDGs) را به همراه اهداف کمی و جدول زمان‌بندی برای همه اهداف، تهیه کردند.

۱- اجماعی که پیش از این اشاره شد.

جدول ۱-۱: افرادی که با روزی یک دلار یا کمتر زندگی می‌کنند، ۱۹۹۰، ۲۰۰۱، ۲۰۱۵

نسبت افرادی که با یک روزی یک دلار یا کمتر زندگی می‌کنند - درصد					
آیا به هدف خواهد رسید	هدف هزاره	پیش‌بینی ۲۰۱۵	۲۰۰۱	۱۹۹۰	
بله	۱۵.۸	۲.۳	۱۵.۶	۲۹.۶	آسیای شرقی و اقیانوسیه
خیر	۰.۷	۱.۳	۳.۷	۰.۵	اروپا و آسیای مرکزی
خیر	۵.۷	۷.۶	۹.۵	۱۱.۳	آمریکای لاتین و حوزه کارائیب
بله	۱.۲	۱.۲	۲.۴	۲.۳	خاورمیانه و شمال آفریقا
بله	۲۰.۷	۱۶.۴	۳۱.۱	۴۱.۳	جنوب آسیا
خیر	۲۲.۳	۴۲.۳	۴۶.۵	۴۴.۶	زیرصحرای افریقا
تعداد افرادی که با روزی یک دلار یا کمتر زندگی می‌کنند - میلیون نفر					
		* ۷	۷۲	۹۵	شرق آسیا و اقیانوسیه (بجز چین)
		۷۳	۲۱۴	۳۷۷	چین
		۷	۱۸	۲	اروپا و آسیای مرکزی
		۴۷	۵۰	۴۹	آمریکای لاتین و حوزه کارائیب
		۸	۷	۶	خاورمیانه و شمال آفریقا
		۲۶۴	۴۲۸	۴۶۲	جنوب آسیا
		۴۰۴	۳۱۴	۲۲۷	زیرصحرای افریقا
		۸۰۹	۱۱۰۱	۱۲۱۹	کل

* ارقام این ستون برای سال ۲۰۰۳ است نه ۲۰۰۲
منبع: گزارش توسعه انسانی، ۲۰۱۵، www.developmentgoals.org (2004)

۳-۱: چشم انداز ILO درباره فقر

همان طور که سازمان بین المللی کار برای حراست از موقعیت نیروی کار اختصاص یافته است، این سازمان همچنین موظف است به طور ویژه رویکرد اشتغال کرا به فقر، داشته باشد. گزارش دبیر کل این سازمان به کنفرانس بین المللی کار در سال ۲۰۰۲ با عنوان کار، فراتر از فقر^۱ بر اجزای سه جانبه کرایه در مقوله فقر، تمرکز داشته است. عنوان گزارش در واقع چشم انداز این سازمان را خلاصه کرده است. از طریق کار، مشاغل بیشتر و بهتر فراهم می‌شود و با درآمد حاصل شده از کار، مردم می‌توانند از فقر گریخته و رها شوند. همچنین این گزارش سه نکته دیگر را برجسته کرده است: مستمندی عامل فقر نیست، فقر پدیده‌ای گران و پرخارج است زیرا مانع رشد است و بی ثباتی را تحریک می‌کند و مستمندان اغلب آخرین کارفرمایان هستند؛ زیرا آنها نیاز به زنده ماندن دارند. این گزارش، هشت فعالیت ILO که در کاهش فقر نقش دارند را مطرح کرده است. آموزش‌های فنی و حرفه ای، توسعه کارآفرینی، اعتبارات خرد، تعاونی‌ها، کاهش تبعیض، تلاش برای پایان دادن کار کودکان، بیمه درآمد و تأمین اجتماعی پایه و امنیت شغلی. گزارش دبیرکل تمرکز و توجه قابل ملاحظه ای بر توسعه بنگاه‌های کوچک دارد. گزارش وی اشاره می‌کند که مردم فقیر احتیاج دارند که کارآفرین شوند تا درآمدی که برای زنده ماندن نیاز دارند،

افزایش باید، به علاوه تمام هشت فعالیت ILO درباره کاهش فقر به طور اجمالی یا جنبی یا بنگاه‌های خرد و کوچک ارتباط دارند.

از زمان ارایه این گزارش ILO تمرکز خود بر موضوع فقر را افزایش داده است. به عنوان مثال این گزارش، پایه ای برای حمایت این سازمان از نشست فوق العاده اتحادیه افریقا درباره اشتغال و کاهش فقر در اوگاندا (سپتامبر ۲۰۰۴) بود. همچنین ILO با استفاده از چارچوب گزارش کار فراتر از فقر، به عنوان یک منبع به سازماندهی ۱۳ گروه مشورتی ملی در آفریقا برای بررسی موضوع فقر و اشتغال کمک کرد. گزارش‌های به دست آمده از گروه‌های مشورتی ملی ترکیب و تلفیق شده و در نشست منطقه ای ILO در آدیس آبابا (اواخر ۲۰۰۳) و در نشست بعدی AU ارایه شد. نشست فوق العاده در بورکینافاسو به وسیله رؤسای دولت‌هایی که برنامه‌ای برای فعالیت تهیه کرده بودند برگزار شد.

بسیاری از این مطالب، به صورت مشابه در گزارش کمیسیون جهانی در ابعاد اجتماعی شدن با عنوان یک جهانی شدن منصفانه، اشاره شده‌اند. این کمیسیون که به وسیله ILO تأسیس شده است، روش‌هایی را پیشنهاد می‌کند که چگونه دولت‌های ملی، بخش خصوصی و اجتماعات محلی به چالش‌های جهانی شدن پاسخ دهند. این گزارش به ارتقای

1-Working out of poverty

کارآفرینی مثبت رویکردی است به خلاقیت و فناوری خصوصی و ریسک پذیری که به اصول کار شایسته وفادار است و بنابراین نتایجی به دست می‌دهد که فقط برای کارآفرین سود بخش نیست، بلکه برای جامعه و کارگران نیز سودمند است.

درباره کاهش فقر تمرکز کرده است. چارچوب راهبردی و عملیاتی ۲۰۰۵-۲۰۰۴ پنج عامل را فهرست کرده است که یکی از آنها برنامه کاهش فقر و ارتقای اقتصاد غیررسمی است. همچنین SEED یکی از اعضای تیم کاری فقر، اشتغال و توانمندسازی است. تیمی که در کنار سایر گروه‌ها، بخش اشتغال ILO را شکل می‌دهد. بخش اشتغال ILO در سطح محلی کار می‌کند و هدف کاهش فقر از طریق اشتغال زایی را مدنظر دارد و نه فقط افراد بلکه سازمان‌های اجتماعی را نیز در فعالیت‌های خود درگیر می‌کند. ILO کاهش فقر را بخشی مهم از دستور کار سال‌های بعد خود قرار داده است.

بدین ترتیب، این سازمان نقش منحصر به فردی را در تلاش‌های بین‌المللی بازی کرده و کمک می‌کند تا کشورها به اولین و یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه هزاره دست یابند.

۱-۴: گزارش‌های راهبردی کاهش فقر (PRSPs)

به عنوان یک سازمان سه جانبه گرا، رویکرد ILO در گزارش راهبردی کاهش فقر، کار با سازمان‌هایی است که نماینده کارگران و کارفرمایان هستند. رویکرد عمومی در PRSP حمایت یا تقویت شرکای اجتماعی، ایجاد اشتغال و دیگر جنبه‌های کار شایسته و تقویت و بسط دیگر شرکا، برای دربرگرفتن این مفاهیم است.

این رویکرد بر اساس شش هدف بنا شده است:

- ابتکار عمل در کشور محل اجرای برنامه، باید با ادارات مربوطه در ILO باشد.
- نتیجه‌گرایی: از طریق کاربرد مفهوم «کار فراتر از فقر»
- فراگیری: تمام ابعاد کار شایسته را در برگیرد.
- مشارکت گرا: هماهنگی با مشارکت اجزا و عناصر اصلی
- مبتنی بر چشم انداز بلند مدت: نه راه حل‌های کوتاه مدت
- اولویت بندی: انتخاب اقدامات عملی و ممکن. با توجه به ظرفیت‌های ILO و عناصر اصلی برنامه از آنجا که PRSPها به بنگاه‌های کوچک اشاره می‌کنند، معمولاً مؤلفه‌های یک راهبرد توسعه یافته را دارند. در مقابل به طور مشترک بخشی بسیار قوی‌تر، برای توسعه بخش خصوصی وجود دارد. این مسأله تا اندازه‌ای ناشی از این واقعیت است که کتاب منابع بانک جهانی که راهنمای دولت‌ها و دیگر علاقه‌مندان است در مورد بنگاه‌های کوچک، ضعیف است. به هر صورت بسیاری از PRSPها اغلب بخشی بسیار پیشرفته درباره اقتصاد غیررسمی دارند.

مهارت‌ها و توانایی فناوری بنگاه‌های داخلی و فراهم کردن حمایت‌های فنی برای بهبود رقابت میان بنگاه‌های خرد و زنان کارآفرین فقیر، اشاره می‌کند.

فقر و کارآفرینی دو عاملی هستند که دستور کار اشتغال جهانی (GAE) را تعیین می‌کنند. GAE توسط هیأت مدیره ILO در مارس ۲۰۰۳ به عنوان وسیله حمایت از هدف برجسته و مهم کار شایسته به تصویب رسید. این دو عامل موضوع گزارش‌های جزئی‌تر و مذاکرات هیأت مدیره در مارس ۲۰۰۴ بودند. این دو موضوع بسیار با یکدیگر مرتبط هستند. به طوری که کارآفرینی به عنوان ابزار مهمی برای کاهش فقر لحاظ می‌شود. همان‌طور که در گزارش مذکور اشاره شده، کارآفرینان سرمایه‌گذاری می‌کنند و کارگرانی را استخدام می‌کنند که در موفقیت فعالیت اقتصادی آنها مشارکت داشته باشند. پیشرفت بنگاه‌های اقتصادی، در امنیت شغلی، ایجاد اشتغال، مهارت‌ها و تجارت ارزشمند برای تعداد زیادی از جوانانی که برای اولین بار وارد بازار کار می‌شوند، نقش دارند. همچنین از طریق دستمزد مناسب و سیاست‌های مالیاتی، بنگاه‌های اقتصادی می‌توانند در توزیع عادلانه ثروت میان نیروی کار نقش داشته باشند. به علاوه آن گزارش برای اولین بار تلاش کرد کارآفرینی مثبت را تعریف کند. کارآفرینی مثبت رویکردی است به خلاقیت و فناوری خصوصی و ریسک‌پذیری که به اصول کار شایسته وفادار است و بنابراین نتایجی به دست می‌دهد که فقط برای کارآفرین سود بخش نیست، بلکه برای جامعه و کارگران نیز سودمند است.



موضوع مهم کاهش فقر، جزء جدایی‌ناپذیر برنامه‌های کاری ILO در سال‌های آتی است. چارچوب سیاست راهبردی ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ سه اولویت مرتبط و پیوسته را برای ILO تعیین کرده است. به همراه پیشرفت دستور کار «کار شایسته» و جهانی شدن عادلانه، چارچوب فوق اشتغال بهره‌ور زنان و مردان را نیز به عنوان نکته اصلی و فراتر از مقوله فقر در بر گرفته است. بخش اشتغال زایی و توسعه بنگاه‌های اقتصادی که شامل SEED است، بر فعالیت‌هایش

اخيراً ILO و سازمان بین المللی کارفرمایان (IOE) راه‌هایی برای سازمان‌های ملی کارفرمایی جستجو کرده‌اند تا آنها بتوانند مشارکت بیشتری در فرایند کاهش فقر داشته باشند. این تلاش، هم در تهیه گزارش راهبردی و هم در اجرای آن اعمال شده است. به عنوان یک نتیجه، در همان حال و در طی یک تلاش مشترک، مشاوران ملی که در سازمان‌های ملی کارفرمایی مشغول هستند، برای ارزیابی محیط سیاستی بنگاه‌های اقتصادی شش کشور منتخب^۱ آموزش دیده‌اند. سازمان‌های کارفرمایی این ارزیابی‌ها را به عنوان پایه‌ای برای دستور جلسه مذاکرات خود با دولت‌ها و دیگر طرف‌های مذاکره و همچنین در ابعاد اجرایی گزارش کاهش فقر استفاده خواهند کرد. SEED به طور قابل ملاحظه‌ای از طریق آرایه تجارب و ابزار در هدایت ارزیابی‌ها، درگیر شده است.

۲- فقر چیست و فقیر کیست ؟

۲-۱: مفهوم فقر

مفهوم فقر شامل محرومیت از مواد (مثل غذا، سرپناه و...) و محرومیت از دسترسی به خدمات پایه (مثل آموزش، بهداشت، ...) است. علاوه بر این، امروزه تمایل و گرایش غالب آن است که مفهوم فقر موارد غیرمادی چون فقدان حقوق، نامنی، عدم اقتدار و توانایی و هتک حرمت را هم شامل می‌شود. ترکیب این دو نوع موقعیت (مادی و غیر مادی) درک کامل تری از فقر فراهم می‌کند. اما ترکیب فوق اندازه گیری و ارزیابی کارایی اقدامات و فعالیت‌های فقرزدایی را دشوارتر می‌کند. حتی یافتن یک تعریف مناسب از فقر دشوار است و اظهارنظرهای مختلف ترجیح می‌دهند که به جای آرایه یک تعریف مشخص از فقر، ماهیت آن را توضیح دهند.

در گزارش کارفرانتر از فقر، ILO متذکر شد که فقر چرخه باطلی از فقر سلامت، کاهش ظرفیت کار، بهره‌وری کم قانون و کاهش امید به زندگی است. (ILO - ۲۰۰۲) کمیته OECD فقر را به گونه‌ای تعریف کرده است که دربرگیرنده ابعاد مختلف محرومیت‌های مرتبط با ظرفیت‌های انسانی شامل امنیت غذایی و مصرف، سلامت، آموزش، حقوق، حق اعتراض، امنیت عمومی، هتک حرمت و کار شایسته است.

(OECD - ۲۰۰۱) علاوه بر این کمیته فوق یادآوری می‌کند که کاهش فقر باید با توجه به پایداری محیط زیست و برابری جنسی، اداره و مدیریت شود. در گزارش حمله به فقر،

بانکه جهانی دیدگاهی را پذیرفت که فقر فقط محرومیت‌های مادی را (که به وسیله مفاهیمی چون درآمد سنجیده می‌شود) شامل نمی‌شود؛ بلکه دسترسی قانونی به آموزش و سلامت را نیز دربر می‌گیرد. (بانک جهانی - ۲۰۰۱) به هر صورت این گزارش مفهوم فقر را به گونه‌ای توسعه داد که آسیب‌پذیری و در معرض مخاطره قرار گرفتن و همچنین ضعف و ناتوانی عمومی و عدم اظهار نظر اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. علاوه بر این مفهوم قدرت و توان عمومی و امکان اظهار نظر اجتماعی (اعتراض) از طرف چند مؤسسه توسعه، در مقابل فقر پذیرفته شده است.

برای مثال SIDA (۲۰۰۲) در گزارش سیاست‌های کاهش فقر اشاره می‌کند که فقر فرصت انتخاب افراد در مسایل زیربنایی مهم را به غارت برده است. فقر فقط کمبود یا فقدان منابع مادی نیست؛ بلکه کمبود قدرت عمومی و اظهار نظر اجتماعی (حق اعتراض) نیز فقر محسوب می‌شود. با این وجود همیشه شفاف و روشن نیست که کمبود یا نقص در قدرت اجتماعی و حق اظهار نظر (حق اعتراض) باید بخشی از تعریف فقر باشد یا بخشی از شرایط فقر تلقی شود و یا آن که در نگاهی دقیق‌تر یکی از عوامل ایجاد کننده فقر در نظر گرفته شود. فقر شاید همه اینها باشد.

۲-۲: تعریفی از کاهش فقر از طریق SED

تعریفی عمومی از فقر و تعریفی مشخص از بنگاه‌های کوچک (رسمی یا غیررسمی) می‌تواند کمک کند تا اقدامات ILO در این حوزه متمرکز شود. یک تعریف دو گانه مناسب شاید به شرح زیر باشد:

فقر موقعیتی است که در آن افراد، کمبود منابع (غذا، سرپناه، پوشاک، مسکن) دارند و قادر نیستند خدمات اولیه (بهداشت، آموزش، آب، فاضلاب) را به دست آورند و یا در پیگیری حقوق خود و اعتراض (اظهارنظر) به نهادها و (فرایندهایی که ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محیطی که آنان در آن محیط زندگی می‌کنند) تحت فشار قرار دارند.

رویکرد ILO به کاهش فقر از طریق توسعه بنگاه‌های

کوچک بر نیازهای افراد فقیر تمرکز می‌کند. افرادی که به عنوان مالک / مجری و کارگر بنگاه‌های کوچک هستند یا به عنوان افراد وابسته به آنها هستند و یا بیکارانی که احتمالاً از مشاغل ایجاد شده منتفع می‌شوند و یا به عنوان مصرف کنندگان



۱- آلبانی، تانزانیا، کامرون، بولیوی، هندوراس و اندونزی

موفقیت در افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری موجب ثبات معیشت شده، به افزایش دستمزدها کمک کرده و موجب اشتغال‌زایی برای بیکاران می‌شود.

خصوصی، عمومی یا شبه خصوصی باشد. اشکال تأمین اجتماعی با همکاری نظام مستمری‌های دولتی و برنامه‌های بیمه‌ای به منظور حمایت کارگران و کارفرمایان بنگاه‌های کوچک ایجاد می‌شوند. همچنین نظام‌های تأمین اجتماعی می‌توانند موجب تثبیت و گسترش طرح‌های خصوصی و مشارکتی برای بیمه شدن در مقابل بیماری، حوادث، بیکاری، مرگ و سالمندی شوند. این مشارکت می‌تواند به نمایندگی از کارگران و کارفرمایان در سازماندهی تأمین اجتماعی نقش ایفا کند.

۴- **گفتگوی اجتماعی:** از آنجا که فقر تا حدودی بر اساس فقدان (ضعف) برخورداری از حق اعتراض مؤثر ایجاد می‌شود، گفتگوی اجتماعی می‌تواند به بهبود و ارتقای وضعیت فقرا کمک کند. اقتصاد بنگاه‌های خرد و کوچک اغلب از دو جهت در بعد نماینده داشتن دچار ضعف است.

الف) این بنگاه‌ها در برابر بنگاه‌های بزرگتر یا دچار ضعف هستند و یا حق اعتراض ندارند،

ب) کارگران (و افراد تحت تکفل آنها) معمولاً به عنوان نماینده انتخاب نمی‌شوند. گفتگوی اجتماعی که براساس اجتماعات و تشکل‌های عضو - مدار، مؤثر و دموکراتیک به وجود می‌آید، می‌تواند به بنگاه‌های خرد و کوچک اجازه دهد تا آنها با دولت درباره سیاست‌ها و برنامه‌هایی که نیازمند گسترش آنهاست، وارد گفتگو شوند. همچنین نمایندگی مناسب می‌تواند به بنگاه‌های کوچک و کارگران آنها اجازه دهد که برای تهیه گزارش‌های مربوط به راهبردهای کاهش فقر، بیشتر تمرین کنند.

همانطور که پیش از این مطرح شد مشابهت‌های قابل توجهی میان تعریف وسیع فقر و مفهوم کار شایسته وجود دارد. به هر صورت این امکان وجود دارد که ILO بخواهد بداند که آیا فعالیت‌های SED همیشه باید نیازهای افراد بسیار فقیر را شناسایی کند، کارگرانی وجود دارند که به صورت مادی فقیر نیستند اما هنوز از تلاش‌های ILO در حمایت از کار شایسته بهره می‌برند. برای مثال گفتگوی اجتماعی باید در کشورهایی که سطوح درآمد به طور نسبی بالاست، تقویت شود. یا کشورهایی که تأمین اجتماعی ندارند، نیاز داشته باشند که مشاغل بهره‌ور ایجاد شوند تا هیچ کس در سطح درآمدی کمتر از یک دلار در روز، باقی

محصولات این بنگاه‌ها، بخشی از اقتصاد بنگاه‌های کوچک هستند. این راهبرد بر اساس چهار عامل کار شایسته که عبارتند از اشتغال بهره‌ور و درآمدزا، حقوق کار، گفتگوی اجتماعی و تأمین اجتماعی، بنا شده است.

۲-۳: کاهش فقر در چارچوب کار شایسته

شبهات‌های فراوانی میان کار شایسته و کاهش فقر وجود دارد. هر دو مفهوم تأکید می‌کنند که رفاه مردم بر پایه درآمدی که از مشاغل بهره‌ور و تأمین اجتماعی به دست می‌آید، حاصل می‌شود. همچنین رفاه مردم بر حقوق و توان پیگیری آن حقوق از طریق گفتگوهای اجتماعی و نهادهای نمایندگی نیز تکیه دارد. در استفاده از چهار مؤلفه کار شایسته، ارتباطات می‌توانند به طریق زیر به وجود آیند.

۱- **حقوق کار:** در ادامه جنبه‌های فیزیکی، فقر از ضعف و محرومیت حاصل می‌شود. این عوامل می‌توانند بر رعایت حقوق کار برتری یابند. این عوامل دامنه‌ای از استانداردهای کار را شامل می‌شوند که در سطح بین‌المللی پذیرفته شده‌اند. این عوامل شامل حق گردهمایی و چانه زنی، و حق آزادی (رهایی) از تبعیض جنسی، نژادی و دیگر اشکال تبعیض، حق داشتن محیط کاری امن و سالم و مواردی از این دست می‌باشد. اما در خصوص بنگاه‌های خرد و کوچک، حقوق بیشتری برای حراست از فعالیت‌های اقتصادی مشروع نیاز است. این موارد شامل حقوق مالکیت پایه، حق هدایت فعالیت اقتصادی در محیطی عاری از اذیت و آزار و موانع مدیریتی و عاری از فعالیت‌های فاسد و تصرف‌های غیرقانونی مالکیت توسط کارمندان بخش عمومی هستند. برای اطمینان از رعایت این حقوق، کارآفرینان و کارگران نیازمند دسترسی به یک نظام قضایی درباره حق اظهار نظر (اعتراض) می‌باشند.

۲- **اشتغال بهره‌ور و درآمدزا:** فقر می‌تواند از طریق توسعه بنگاه‌های بهره‌ور که درآمد مناسبی را برای کارآفرینان و کارگران فراهم می‌کند، کاهش یابد. بهره‌وری اندک که یکی از مشخصات بنگاه‌های کوچک و خرد است، درآمد و دستمزد را محدود کرده و در نهایت امکان دوام یک بنگاه را کاهش می‌دهد. موفقیت در افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری موجب ثبات معیشت شده، به افزایش دستمزدها کمک کرده و موجب اشتغال‌زایی برای بیکاران می‌شود، بدین ترتیب کارآفرینی به عنوان یک جنبه کلیدی در دستور کار برنامه اشتغال عمومی ILO مورد توجه قرار گرفته است.

۳- **حمایت اجتماعی:** نظام‌های اجتماعی جنبه‌های آسیب‌پذیری ناشی از فقر را مشخص کرده و تمایل دارند که آنها را از طریق حمایت‌های درآمدی پوشش دهند. یک جنبه کلیدی در این باره تدارک تأمین اجتماعی است که در اشکال

نماند. می‌توان درباره منابع ترکیب شده منکور و رویکرد قدرت اعتراض بحث کرده و نشان داد که همه فعالیت‌های ILO در پایه کاهش فقر مشارکت دارند. حتی در جایی که گروه‌های هدف به صورت مادی فقیر نیستند. چنانچه این نکته پذیرفته شود، تقریباً می‌توان فقر را موقعیت متضاد کار شایسته تلقی کرد.

۲-۴: در اقتصاد بنگاه‌های کوچک چه کسی فقیر است؟

فقیران (مردان، زنان، کودکان، جوانان، پیران، ناتوانان و معلولان) کسانی هستند که شاید تنها زندگی کنند اما اغلب برخی از آنها با خانواده زندگی می‌کنند. زمانی می‌توان خانواری را فقیر خواند که درآمد ایجاد شده توسط افراد فعال اقتصادی، نیازهای همه اعضای خانوار را به طور رضایت بخشی پوشش ندهد، معمولاً اعضای یک خانوار تلاش‌های خود را برای رسیدن به یک روش زیست چند جانبه (چند لایه) ترکیب می‌کنند که این تلاش‌ها می‌تواند شامل غذا و پول و مواد اولیه تولید، دستمزد نیروی کار در مزرعه یا بنگاه و فعالیت‌های کارآفرینی در بنگاه‌های کوچک و خرد باشد. به عنوان بخشی از یک روش (راهبرد) بلند مدت، ممکن است خانوار با هدف دست یافتن به درآمد بالاتر در آینده، در آموزش اعضای جوان‌تر سرمایه‌گذاری کند.

به هر صورت همه خانوارها روش همگرایانه و حمایتی فوق را به کار نمی‌برند. به طور مشخص عدم توازن درآمد زن و مرد خانوار می‌تواند از طریق افزایش سهم مردان، منجر به ضعف در دستیابی به درآمد کل بیشتر شود. این عامل ممکن است تلقی فقر را تشدید کند. در این صورت زنان را وادار می‌کند که بیشتر درآمدها را صرف رفاه فرزندان کنند و در مقابل مردان را سوق می‌دهد که بیشتر درآمد خود را صرف تنباکو و الکل کنند (کیس و دیتون ۲۰۲۲)

برای درک ارتباط میان بنگاه‌های کوچک و خانوارهای فقیر ما نیاز داریم که فهمیم فقیران چگونه «در» یا «با» اقتصاد بنگاه‌های کوچک کار می‌کنند. ما می‌توانیم پنج مقوله از راهبردهای فقیران را پیشنهاد کنیم:

● کارآفرینان فقیر: این دسته شامل کسانی هستند که برخی از اقسام بنگاه‌های کوچک را اداره می‌کنند که در این بنگاه‌ها تنها از کارکنان فامیلی استفاده می‌شود، این گونه کارآفرینان چنین می‌پندارند که اگر درآمد، حقوق و فعالیت‌های (امکانات) گردآوری کرده در بنگاه، آنها را به سطحی بالاتر از حداقل رفاه نرساند، فقیر محسوب خواهند شد.

● کارگران فقیر: این عده کسانی هستند که درآمد، مزایا، حقوق و حمایت‌های آنها برای رسیدن به سطح پایه رفاه کفایت نمی‌کند. این کارگران شاید اشتغال منظم، اشتغال افراد وابسته (مانند کارگران خانگی) یا اشتغال اتفاقی (غیرمنظم) مانند کارگران روزمزد در مزارع یا اماکن دیگر داشته باشند. به علاوه این عده شامل فقیران کارکن نیز می‌باشد.

● اعضای خانوار مرتبط با کارگران و کارآفرینان فقیر: این عده شامل فرزندان، افراد پیر و دیگر وابستگان (مریض، ناتوان) است که به طور غیرمستقیم، بخشی از اقتصاد بنگاه‌های کوچک هستند. زیرا آنها به درآمد افراد فعال اقتصادی در آن اقتصاد، وابسته هستند. فقر خانوار شاید برخی از اعضا را وادار کند که به طور اقتصادی فعال شوند. برای مثال ممکن است فرزندان و کودکان وارد نیروی کار شده و بدین ترتیب از دستیابی آنها به آموزش جلوگیری شده و بدین ترتیب چرخه درون نسلی فقر همیشگی و دائمی شود.

● بیکاران: این گروه شامل افراد فقیر بدون کار است که ممکن است بتوانند از طریق تأسیس بنگاه‌های شخصی یا اشتغال در بنگاه‌های کوچک، فقر خود را کاهش دهند. فقر از طریق اشتغال زایی توسط بنگاه‌های کوچک کاهش می‌یابد.

● مصرف‌کنندگان فقیر که از بنگاه‌های کوچک خرید می‌کنند: این گروه شامل افراد فقیری است که کالاها و خدمات خود را از بنگاه‌های کوچک خریداری می‌کنند و بدین ترتیب فقر خود را کاهش می‌دهند. این خدمات می‌تواند شامل آب، بهداشت، فاضلاب، سلامت و آموزش باشد که وقتی خدمات عمومی ضعیف باشد توسط بنگاه‌های کوچک عرضه خواهند شد. همچنین تولیدکنندگان کوچک می‌توانند از طریق ساخت کالاها یا ارزان که برای خانوارها قابل دسترس باشد (همانند پوشاک و لوازم آشپزخانه) در کاهش فقر مشارکت کنند.

به طور عمومی افراد فقیر می‌توانند در کشورهایی که به عنوان فقیر شناسایی و طبقه بندی شده‌اند همانند کشورهای که ثروتمند هستند، زندگی کنند. در هر صورت هر کشور فقیران خود را دارد. اگر چه همه فقیران در یک سطح استاندارد از رفاه زندگی نمی‌کنند.

۲-۵: گروه‌های اجتماعی، آگاهی‌ها و عدم آگاهی‌ها

علاوه بر این موارد از منظر تفاوت‌های منطقه‌ای، ابعاد



روستایی و یا برعکس) علاوه بر این خطوط فقر درآمدی که بر مبنای شهری - روستایی متمایز نشده‌اند، ممکن است در هزینه بالاتر زندگی در شهرها و ضعف دسترسی به زمین برای تولید را مدنظر قرار ندهند. به عبارت دیگر شاید شهروشنینان درآمد بیشتری داشته باشند، اما هزینه بیشتر و دسترسی کمتر با هیچ‌ا به زمین برای تولید غذا دارند. این در حالی است که قاعده یک دلار در روز بر مبنای نیازهای اساسی، رضایت بیشتری در حومه و روستاها در مقایسه با شهر ایجاد می‌کند.

بیکاری آشکار، معمولاً در شهرها بیشتر از نواحی روستایی است. از طرف دیگر بیکاری پنهان احتمالاً در مناطق روستایی بیشتر است. چرا که اعضای خانواده در طرح‌های کوچک و موقت کار می‌کنند، برای مثال در آمریکای لاتین نرخ بیکاری در شهرها به طور متوسط چهار برابر بیشتر از نواحی حاشیه‌ای و پیرامونی است.

مهاجرت شهری منجر به توسعه مناطق فقیرنشین بزرگ شده است: نواحی و محلاتی که فقر در آنها متمرکز شده است. البته این امر همیشه بدیهی نیست که این خانوارها (خانوارهای ساکن در محلات فقیرنشین) در مطالعات فقر به درستی نمونه برداری شده باشند بنابراین به علل متعدد، شیوع و گسترش فقر شهری احتمالاً بیشتر از آن چیزی است که معمولاً آمارها نشان می‌دهند.

دیگری از فقر وجود دارد که ممکن است در ذهن باقی مانده باشند. در اینجا ما بر ابعاد شهری - روستایی، جنسی، قومی - نژادی و بهداشتی تمرکز می‌کنیم. هدف ما محاسبه قطعی و صریح هر یک از این ابعاد نیست. اما در مقابل، هدف ما پررنگ کردن برخی نکات و از آن مهم‌تر پرسش از بعضی از جنبه‌های مشترک توزیع فضایی و جمعیت شناختی فقر است.

مناطق روستایی: جدول ۲-۱ نشان می‌دهد که چالش کاهش فقر در آفریقا، در سکونتگاه‌های روستایی بیشتر مطرح است. چرا که بخش بزرگی از جمعیت روستایی در سایر نقاط جهان نیز فقیر هستند. اختلاف میان ساکنان شهری و روستایی بیشتر به عنوان یک نتیجه از گزارش‌های فقرزایی مشهور بوده است. در نتیجه، اغلب اقدامات مرتبط با کاهش فقر منجر به تمرکز اهداف توسعه هزاره در مناطق روستایی شده است. این نکته برای اقدامات توسعه‌ای بنگاه‌ها مهم است. همان طور که خانوارهای کشاورز، بر فعالیت‌های کارآفرینانه غیرکشاورزی که پرداخت‌های نهایی را تعیین می‌کنند، تکیه دارند. به هر صورت تفاوت و تمایز شهر - روستا همواره روشن و ساده نیست. چرا که جابجایی قابل ملاحظه‌ای میان این دو نقطه وجود دارد و جریان واریز وجه می‌تواند اثرات تعادلی داشته باشد. کاهش مخارج در خانوارهای شهری و افزایش درآمد در خانوارهای

جدول ۲-۱: فقر بایک دلار در روز و احتمال رسیدن به اهداف توسعه هزاره

درآمد نسبت افرادی که با روزی یک دلار یا کمتر زنده هستند						
سال	کشور	شهر	روستا	هدف توسعه هزاره		
				کل کشور	شهر	روستا
۱۹۹۹	بورکینافاسو	۵	۷۴	۶۲	خیر	خیر
۱۹۹۸	غنا	۷	۵۵	۳۸	بلی	بلی
۱۹۹۸	کنیا	۱	۳۲	۲۵	بلی	خیر
۱۹۹۷	ماداگاسکار	۲۹	۷۴	۶۳	بلی	بلی
۱۹۹۵	مالی	۲۸	۹۰	۷۲	بلی	خیر
۱۹۹۹	نیجریه	۳۷	۸۲	۶۸	خیر	خیر
۱۹۹۷	نیجر	۱۱	۷۰	۶۰	بلی	خیر
۱۹۹۷	سنکال	۱	۴۳	۲۶	بلی	خیر
۱۹۹۹	تانزانیا	۱۱	۶۲	۴۹	بلی	خیر
۱۹۹۶	زامبیا	۱۱	۸۸	۶۰	خیر	خیر
۱۹۹۴	زیمبابوه	۲	۵۸	۴۱	خیر	خیر

نویسنده: اطلاعات نام منابع منطبق بر این منبع است.

• هدف توسعه هزاره: درآمد دست تعداد افرادی که با کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند را بین ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ به نصف کاهش دهد.

منبع: Sahn and stiffl

جنسیت: زنان گروه دیگری هستند که به طور ویژه می‌توانند توسط فقر تحت تأثیر قرار گیرند. احتمالاً زنان اکثریت ۱/۳ میلیارد نفری را تشکیل می‌دهند که با روزی یک دلار زندگی می‌کنند. به طور ویژه فقر، زنان سرپرست خانوار را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زنانی که تربیت و بزرگ کردن فرزندان در کنار کسب درآمد را بسیار مشکل می‌یابند. برای مثال در کشور نپال ۵۴ درصد زنان سرپرست خانوار فقیر هستند. اما در مقابل فقط ۲۸ درصد مردان سرپرست خانوار فقیر هستند. معمولاً تحصیلات کم و موانع فرهنگی، توانایی زنان در به دست آوردن مشاغلی با دستمزد خوب و یا کسب درآمد از بنگاه‌های فعال در اقتصاد رسمی یا غیررسمی را محدود می‌کنند. دسترسی به اعتبار مالی و مسائل تأمین برای ایجاد فضای فعالیت اقتصادی، ممکن است آنها را مجبور کند میان فعالیت‌های اقتصادی و درآمد زان از یک طرف و خانه داری و مراقبت از فرزندان از طرف دیگر تعادل برقرار کنند.

اقلیت‌های قومی و نژادی (و اکثریت‌ها): اقلیت‌های قومی و نژادی اغلب با موانع بیشتری در دسترسی به آموزش، اشتغال، زمین یا کیفیت خدمات حمایتی دولتی و دارایی‌های انباشته مواجه می‌شوند. این مشخصات اغلب منجر به بروز نرخ‌های بسیار بالاتر فقر در گروه‌های اقلیت در مقایسه با گروه‌های اکثریت می‌شود. به عنوان مثال در ویتنام، اقلیت قومی، ۱۳ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند و احتمالاً ۵۰ تا ۲۵۰ درصد فقیرتر از اکثریت آن جامعه هستند. متوسط مصرف خانوار ۶۰ درصد مصرف اکثریت بوده و اغلب خانوارهای اقلیت با درآمد ۲ تا ۶ دلار در روز زندگی می‌کنند. در دیگر کشورها موانع پیشرفت اقتصادی بر مبنای طبقه یا دیگر انواع گروه‌بندی اجتماعی که با دسترسی به مشاغل مطمئن محدود شده‌اند، شکل گرفته است. (مثل هند) به هر صورت همه اقلیت‌ها فقیر نیستند. در بسیاری از کشورها گروه‌های کوچک نژادی و قومی قادرند قدرت سیاسی را در برابر اکثریت فقیر کنترل کنند و یا قادرند سطوح بالاتر رفاه را (البته در هند) به خوبی کسب کنند. حتی وقتی ساختارهای سیاسی نژاد پرستانه با ساختارهای دموکراتیک قانونی جایگزین می‌شوند، ممکن است فقر مستمر برای توده‌ها باقی بماند. (مثل آفریقای جنوبی) این بحران‌ها می‌توانند به تضادهای اجتماعی شدید و تفرقه افکنی منجر شوند. (مثل رواندا در دهه ۹۰ و اخیراً در بولیوی) که به طور مضاعف اقتصاد کشور را مختل می‌کنند.

ناتوانی (معلولیت) و ایدز: فقر نه تنها با توانایی کار ارتباط دارد بلکه با ظرفیت افراد برای پذیرش کار نیز ارتباط دارد. این ظرفیت می‌تواند با معلولیت، بیماری و ناتوانی محدود شود. بنابراین فقر معمولاً در میان افرادی متمرکز می‌شود که با این قیود زندگی می‌کنند و ممکن است نیازمند حمایت اجتماعی باشند تا کاری را شروع کنند یا کاری را ادامه دهند. یک مسأله در حال رشدی که بخش بزرگی از جمعیت واقع در سن کار و فعالیت و افراد وابسته به آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ایدز است. در بخشی از جنوب آفریقا نرخ سرایت hiv در میان افراد بالغ ۲۰ تا ۲۵ درصد است. شیوع این مسأله موجب شده که به طور گسترده پذیرفته شود که خانوارها و بنگاه‌ها با مشکلاتی مواجه هستند. کاهش فقر نیازمند بحث و گفتگو و تا آنجا که امکان دارد باید مطمئن شویم که گروه‌های فقیر متضرر، در این گفتگوها حضور دارند.

۲-۶: چرخه فقر:

فقر می‌تواند منجر به ایجاد چرخه ای جبری و درون نسلی شود و افراد را در موقعیت فقر قرار دهد که این وضعیت از فرار افراد از فقر ممانعت می‌کند. بدین ترتیب فقر فرایندی چندبعدی است. کمبود درآمد مانع آن است که والدین آموزش مناسبی که کسب درآمد بیشتر در آینده را امکان پذیر می‌کند را در اختیار کودکان خود قرار دهند. این عامل سبب می‌شود که برخی از والدین، فرزندان خود را راهی بازار کار کنند و بدین صورت این کودکان حتی از آموزش پایه نیز محروم خواهند بود. کمبود بهداشت مناسب، آمادگی پذیرش ناتوانی و حوادث را افزایش می‌دهد که به نوبه خود سبب کاهش ساعات کار و یا کاهش قدرت کار می‌شوند. کمبود یا نقص در تغذیه مناسب نیز موجب نزول انرژی مورد نیاز برای کشت و زرع غلات و تولید کالاها و خدمات در اقتصاد مبتنی بر بنگاه‌های کوچک می‌شود. علاوه بر این کمبود درآمد منجر به ناتوانی در سرمایه گذاری برای افزایش بهره‌وری تکنیک‌ها و فناوری زراعی و غیرزراعی بنگاه‌های کوچک می‌شود. این موارد مشخصات فقر مزمن هستند. موقعیتی که مردم سال‌های سال فقیر می‌مانند و نسل اندر نسل فرصت کمی برای خروج از فقر دارند، چرخه شوم فقر در گزارش کار فراتر از فقر بدین گونه تشریح شده است: برای انسان‌ها، فقر یک کابوس است، فقر چرخه شوم فقر بهداشت، ظرفیت‌های کاری کاهش یافته، بهره‌وری کم و امید به زندگی کم است. برای زنان فقر، یک دام است.



هزاره با مشکلاتی روبه رو خواهد بود، هر چند این اهداف دست یافتنی و شاخص‌های مشخصی را مطرح می‌کنند؛ اما این اهداف اندکی نیز گنجی هستند، در این خصوص دو مسأله اصلی وجود دارد:

- ۱- مفهوم فقر به کار رفته واضح و روشن نیست.
- ۲- هدف اصلی در توسعه هزاره، اقدامات را به سمت افراد کمتر فقیر سوق می‌دهد.

در واقع مشکل نخست آن است که مفهوم فقر شفاف نیست. تعریفی حداکثری از فقر وجود دارد که با مقوله درآمد اندک (یک دلار در روز) تعریف می‌شود. همچنین روشن نیست که فقر غیرحداکثری چیست؟ به بیان دیگر مشخص نیست که این مفهوم بر اساس مفهوم درآمد بنا شده یا فقط به یک آستانه بالاتر اشاره می‌کند. همچنین روشن نیست که آیا سایر اهداف توسعه هزاره نیز باید کاهش فقر را در نظر بگیرند یا خیر؟ در واقع دولت‌ها و نهادهای مشابه که هدف فقر حداکثری را تأیید می‌کنند، مستندات سیاستی دارند که به صراحت درباره فقر بیشتر از منظر درآمد بحث می‌کنند. واضح است که تنظیم کنندگان اهداف توسعه هزاره درک کرده بودند که تعریف گسترده فقر نمی‌تواند بر اقدامات خاصی متمرکز شود؛ زیرا اندازه‌گیری این مفهوم بسیار مشکل است. در واقع به استثنای یک مورد، هیچ یک از اهداف توسعه هزاره و ۱۸ هدف شناسایی شده، ضعف و ناتوانی، مقام و شأن، فرایند یا هر گونه کنترل دموکراتیک بر نهادها را بحث نمی‌کنند.

مشکل دوم ماهیت ویژه هدف اول است. بدین نحو که اگر مردمی که فقط با اندکی کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند، به اندکی بالاتر از آن برسند از نظر این هدف فقر کاهش یافته است. (این عده مثلاً از ۰/۹۵ دلار در روز به ۱/۰۵ دلار در روز برسند) این بدان معناست که اغلب راهبردهای مؤثر برای کاهش فقر بیشتر بر افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند متمرکز دارند تا افرادی که تقلاً می‌کنند خود را از خط فقر دور کنند. این امر به آن علت است که اگر درآمد یک نفر از ۰/۲۵ دلار به ۰/۹۵ دلار افزایش یافت. بر اساس هدف اول، فقر کاهش نیافته است. این نکته اختلاف میان ویژگی وسعت فقر (که بر اساس نرخ سرانه اندازه‌گیری می‌شود) و ویژگی فشردگی فقر (عمق فقر یا آن که چگونه مردم خود را از خطر فقر دور می‌کنند) است.

۲-۳ شاخص‌های کار شایسته:

ILO مجموعه‌ای از شاخص‌ها را برای ارزیابی میزان تحقق کار شایسته تدوین کرده است. به علت همگرایی به وجود آمده میان کار شایسته و کاهش فقر در گزارش کار فراتر از فقر، احتمالاً استفاده از این شاخص‌ها و ارتباط

فقر آنها را به سمت تحصیلات نامناسب، مهارت‌های اندک، درآمد کمتر، والد شدن زودرس، بیماری و مرگ زودرس سوق می‌دهد. برای جوامع، فقر یک نفرین است. فقر موجب تأخیر در رشد و تشدید ناپایداری شده و کشورها را از حرکت در مسیر توسعه پایدار باز می‌دارد.

اگر هیچ شانس برای دسترسی واقعی و تغییرات بلند مدت وجود ندارد، تلاش‌های کاهش فقر می‌بایست ابعاد چند گانه و جنبه‌های خود اجباری فقر را در نظر داشته باشد.

۲- انتخاب شاخص‌ها و ارزیابی اثر

مبنای اطمینان از این که فقر کاهش یافته است، توانایی هدف‌گذاری و تشخیص فرایند آن در زمان است. تعاریف و شاخص‌های متعددی از فقر وجود دارند که پژوهشگران، نهادهای حمایتی و دولت از آنها استفاده می‌کنند. نیاز به تعریف شاخص‌ها با طراحی و اجرای اهداف توسعه هزاره بیشتر شده است. علی‌رغم آن که هدف گزارش اخیر، طراحی اهدافی خاص و ارزیابی چارچوب برنامه ILO درباره توسعه بنگاه‌ها نیست؛ اما مرور برخی روش‌های کلیدی، شاخص‌ها و تجارب، مفید خواهد بود.

۳-۱: سطح تحلیل؛ بنگاه در برابر خانوار:

برنامه ریزی توسعه بنگاه‌های کوچک بر بنگاه متمرکز دارد و تا وقتی که بنگاه‌ها بیشتر یا کمتر سودآور یا باثبات باشند، کمتر یا بیشتر فقیر خواهند بود. از آنجا که افراد در خانواده‌ها، فقیر هستند. لذا اثر SED را باید در سطح خانواده ارزیابی کرد. اما پیچیدگی ارزیابی اثر، موجب شده که بحث به سطح بنگاه‌ها گرایش داشته باشد، زیرا اضافه درآمد بنگاه (سود) می‌تواند بر کاهش فقر کمک کند. اما از این ارتباط همیشه نمی‌توان اطمینان داشت تنها چیزی که با اطمینان می‌توان گفت آن است که افزایش سود بنگاه‌ها درآمد قابل دسترس مالکان و کارآفرینان را افزایش می‌دهد. سودهای حاصل شده می‌توانند به روش‌های زیر صرف شوند.

- سرمایه‌گذاری مجدد در بنگاه‌ها
- پرداخت به کارگران با عنوان دستمزد بالاتر
- استخدام کارگران جدید
- مصرف توسط کارآفرینان و افراد وابسته به آنها (مصارف ضروری یا غیرضروری)
- خارج کردن فرزندان از بازار کار
- پرداخت بدهی‌های خانوار

۳-۲: تنش‌های میان اهداف توسعه هزاره و مفهوم گسترده

فقر:

تا زمانی که نهادهای دو جانبه و چند جانبه، خود را با اهداف توسعه هزاره تعدیل کرده باشند (مفهوم فقر حداکثری را مدنظر قرار دهند) به کارگیری اهداف توسعه

اکوادور، اندونزی، مکزیک، پاکستان و سریلانکا اجرا شده را پوشش می‌دهد. در خصوص فقر، تهیه کنندگان این گزارش اشاره می‌کنند که بانک جهانی برای مشاهده اثرات این پروژه‌ها بر فقر تلاشی نکرده است. این گزارش ادامه می‌دهد که تعداد بسیار کمی از خانوارهایی که درآمد آنها از طریق کار در بنگاه‌های کوچک و متوسط به دست می‌آید، در اثر اعطای وام به این بنگاه‌ها توانسته‌اند درآمد کسب کنند. به هر حال زمانی که بازار کار گسترش می‌یابد خوش بینانه است که اثرات عمومی وام‌های فوق بر این بازار، این گونه تصویر شود که همه کارگزاران با درآمد کم، از آن وام‌ها بهره مند خواهند شد. به هر صورت ما باید در استفاده از چنین فرض‌هایی که شواهد واقعی ندارند، دقت کافی به خرج دهیم. چرا که احتمال دارد مشاغل ایجاد شده بیش از آن که نصیب افراد فقیر شوند.

۳-۵: راه پیش رو:

به طور معمول، هیچ روش مورد قبولی برای ارزیابی اثر SED بر کاهش فقر وجود ندارد. بخشی از واقعیت آن است که رویکردهای سنتی به ارزیابی SED بر مبنای تحلیل در سطح بنگاه هستند. در حالی که فقر پدیده‌ای فردی و خانوادگی است. به هر صورت برای بررسی اثرات دو رویکرد حدی وجود دارد. مناسب بودن هر رویکرد به مقیاس مداخله و سطح دسترسی به اطلاعات منابع عمومی بستگی دارد. رویکرد اول رویکردی جغرافیایی است که تغییرات فقر را در مناطقی که SED در آنها اجرا شده، را با مناطقی که

آنها با فقر ارزشمند خواهد بود. کار شایسته ۳۰ نامگر دارد که در ۱۱ سرفصل طبقه بندی شده‌اند. تعدادی از نامگرهای فوق احتمالاً به قدری وسیع هستند که نمی‌توان آنها را در یک فرایند ارزیابی به کار برد؛ اما نامگرهای کلیدی مفید خواهند بود. در بسیاری موارد (به طور ویژه نامگرهای درصد جمعیتی) نامگرها تنها در سطح منطقه یا کشور مفید هستند و برای مطالعه اثرات وارد شده بر کارآفرینان مناسب نیستند.

۳-۴: تجارب دیگر مؤسسات درباره ارزیابی فقر در SED:

اهداف توسعه هزاره تنها در سال ۲۰۰۱ بحث شدند و بنابراین مؤسسات توسعه در سال‌های اخیر مشغول تطبیق دادن پروژه‌ها و روش‌های ارزیابی با اهداف توسعه هزاره بوده‌اند. بسیاری از ارزیابی‌های اخیر بر مبنای پروژه‌هایی انجام شده‌اند که اغلب پیش از این برای رسیدن به اهداف فوق طراحی و اجرا شده‌اند. به هر صورت در همان زمان کاهش فقر کل اهداف مؤسسات توسعه را تحت تأثیر قرار داده و بنابراین ارزیابی اثر را در یک روش عمومی شامل شده است. از آنجا که سطح فقر بهره‌مندان از طرح، پیش از اجرای پروژه مطالعه نشده بود. معیاری برای اندازه گیری موفقیت پروژه در خصوص فقر وجود ندارد.

مطالعه‌ای تلفیقی که اخیراً توسط بانک جهانی انجام شده، اثر پرداخت وام به صنایع کوچک و متوسط (SMI) را بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۷ ارزیابی کرده است. این مطالعه ۱۶ پروژه با ۱/۱ میلیارد دلار گردش مالی که در



سادگی فعالیت بنگاه‌های کوچک می‌تواند از سه مسیر اصلی در کاهش فقر نقش داشته باشد. نخست، کاستن سطح و تعداد اقلام هزینه اجرای یک کسب و کار و افزایش درآمد کارآفرینان فقیر. دوم، ایجاد رویه‌های کارآتر برای پس اندازها تا کارآفرینان خرد بتوانند در عوض انتظار از ادارات دولتی بر انجام کسب و پیشه تمرکز کنند. سوم، کاهش محدودیت‌های قانونی که منجر به فعالیت سریع‌تر بازارهای داخلی و خارجی می‌شوند.

و باری بر دوش بنگاه‌ها محسوب می‌شوند. بنگاه‌های متوسط به طور ویژه‌ای تحت تأثیر مقررات هستند چرا که آنها می‌توانند حداقل زمان و پول مورد نیاز را فراهم کنند. در مقابل بنگاه‌های کوچک برای پرهیز از مقررات هزینه‌ها و پرداخت مالیات اغلب در بخش غیررسمی فعالیت می‌کنند. بدین ترتیب آنها از سود اقتصاد رسمی چشم‌پوشی می‌کنند. حتی در تلاش برای پنهان کردن فعالیت خود از چشم دولت، کسب و کار خود را کوچک نگه داشته و یا از برخی از رفت و آمدهای مشتریان نیز دور نگه می‌دارند. در حالی که یک چارچوب قانونی و منطقی‌تر می‌تواند آنها را اغوا کند که به بخش رسمی وارد شوند تا بدین ترتیب از مزایای آن فضای قانونی استفاده کنند.

سادگی فعالیت بنگاه‌های کوچک می‌تواند از سه مسیر اصلی در کاهش فقر نقش داشته باشد. نخست کاستن سطح و تعداد اقلام هزینه اجرای یک کسب و کار و افزایش درآمد کارآفرینان فقیر. دوم ایجاد رویه‌های کارآتر برای پس اندازها تا کارآفرینان خرد بتوانند در عوض انتظار از ادارات دولتی بر انجام کسب و پیشه تمرکز کنند. سوم، کاهش محدودیت‌های قانونی که منجر به فعالیت سریع‌تر بازارهای داخلی و خارجی می‌شوند. این عوامل در کنار هم موجب می‌شوند تا بنگاه‌های کوچک تأسیس شده و رشد کنند. بدین وسیله اشتغال ایجاد شده و درآمد کارگران و کارآفرینان افزایش می‌یابد. یادآوری این نکته بسیار مهم است که بنگاه‌های کوچک نیاز دارند که سهم عادلانه خود از مالیات را برای تأمین مالی خدمات عمومی مناسب بپردازند.

به هر صورت اگر تلاش‌های ILO برای مقابله با فساد (به ویژه در خصوص کسب مجوزها و مصوبه‌ها) نداشته باشد در آموزش و گفتگوی سیاستی به طور کامل، کار و مؤثر نخواهد بود. شاید این امر مستلزم ترکیبی از دستمزد مناسب برای کارمندان سطح پایین، جریمه‌های سنگین و گسترش فرهنگ قوی ضد فساد باشد. همچنین

در آنها اجرا نشده، مقایسه می‌کند. این رویکرد در شرایطی عملی است که اطلاعات در دسترس درباره فقر و دیگر شاخص‌ها با تاریخ‌های مندرج در پروژه منطبق باشد. همچنین این رویکرد مستلزم آن است که مداخلات SED به قدر کفایت قابل توجه باشند که بر آمارهای فقر تأثیر بگذارند. رویکرد دوم به طور مستقیم بر کارفرمایان و خانواده آنها تمرکز دارد و برای مداخلات مشابه که اثرات آنها، احتمالاً در سطح ناحیه‌ای یا منطقه‌ای قابل مشاهده است، مناسب می‌باشد. این رویکرد، ارزیابی تغییر فقر در خانوارهای کارآفرینی که تحت حمایت SED قرار دارند را در بر می‌گیرد. (یعنی آموزش مدیریت، فراهم کردن اعتبار) تغییر در سطح فقر می‌تواند با خانوارهایی که به طور مستقیم تحت تأثیر SED نیستند، مقایسه شود. با تمرکز بر اثرات مستقیم، این رویکرد به هر صورت نمی‌تواند اثرات ثانوی را در بر داشته باشد. این رویکردها می‌توانند شامل اثرات جانمایی منفی (گسترش یک بنگاه منجر به محدودیت سایر بنگاه‌ها می‌شود) یا اثرات درآمدی مثبت (تعداد خانوارهای فقیری که توسط بنگاه بسط یافته به کار گرفته می‌شوند) شود.

ارزیابی اثر همواره موضوعی پیچیده است و به دست آوردن نتایج درست، اصلاً آسان نیست، با این وجود ILO باید به تجارب خود ادامه دهد و روش‌هایش را باز تعریف کند. همچنین باید از رویکردهای مشابهی که توسط دیگران بسط یافته نیز استفاده کند؛ چرا که روش‌های ارزیابی قابل اتکا برای تشخیص آن که فعالیت‌های SED مؤثرترین عامل در کاهش فقر بوده‌اند، ضروری و حیاتی هستند.

۴ - رویکرد SED به توسعه بنگاه‌های کوچک

توسعه بنگاه‌های کوچک یک زیر بخش از فرآیند بزرگتر توسعه بخش خصوصی است. رویکردها و راهبردهای مختلفی برای حمایت از بنگاه‌های کوچک وجود دارند که بیشتر اوقات توسط دولت، NGOها، افراد نیکوکار و حتی خود بخش خصوصی و ILO گسترش یافته‌اند. روی هم رفته واضح است که فعالیت‌های SED جنبه‌های تعریف محدود و گسترده فقر را شناسایی کرده و فقیران به عنوان بهره‌مندان از بسیاری از اقدامات برنامه در نظر گرفته شده‌اند. به هر صورت در شرایطی که ارزیابی مناسبی از اثرات این برنامه وجود ندارد. تعیین این که آیا فعالیت‌ها واقعاً در کاهش فقر نتیجه بخش بوده‌اند، مشکل است.

۴-۱: سیاست‌ها، قوانین و مقررات:

بنگاه‌ها در چارچوب سیاست‌ها، قوانین و مقررات مختلف (که از این به بعد مقررات خوانده می‌شوند) فعالیت می‌کنند که باید حمایت‌کننده باشند. اما اغلب مانع

تغییر سیاست در قبال بنگاه‌های کوچک باید توسط فرایندهایی کامل شود که محیط کلان اقتصادی، فراهم کردن عرصه خدمات عمومی مناسب و اطمینان از شبکه تأمین اجتماعی قابل اتکا را پشتیبانی می‌کنند.

تجارت خوبی است» ترجمه شده است. این مطلب همانی است که پیش از این نیز مطرح شد. این عقیده و نظری است که کیفیت اشتغال‌گریزی بر بهره‌وری و سودآوری بنگاه‌ها نیست. اما برعکس می‌تواند یک مشارکت مثبت ایجاد کند. این گفته به آن مفهوم نیست که کارفرمایان بنگاه‌های متوسط مسیر راحت و سهل را برای موافقت بیابند اما از طریق آموزش و گسترش تجارب مفید، وضعیت می‌تواند تغییر کند.

۴-۲: ایجاد اتحادیه‌ها:

همان‌طور که آموزش کارمندان برای ارتقای کیفی مقررات مهم است، فرآیند پایدار اصلاحات نیز مستلزم گفتگویی میان دولت، کارگران و کارفرمایان است. در سطح بین‌المللی، سازمان‌های کارگری و کارفرمایی درباره سیاست‌هایی که بر بنگاه‌های کوچک تأثیر گذار هستند، با دولت درگیر هستند. به علاوه سازمان یا اتحادیه‌های کسب و کارهای کوچک (SBA) نقش مهمی از این جهت برعهده دارند. زیرا این اتحادیه‌ها می‌توانند نماینده بنگاه‌های کوچک و خرد باشند و در برابر مسائل فراقانونی، نظام مالیاتی، فساد و دیگر مسائل مرتبط در مقایسه با شرایطی که به صورت فردی بوده‌اند صدایی به مراتب قوی‌تر داشته باشند.

از زاویه ملی بنگاه‌های کوچک، درجه‌های مختلفی از نمایندگی دارند. در برخی کشورها سازمان‌های مربوطه قدرتمند هستند و در برخی کشورها خیر. اما به طور عمومی تنها بخش کوچکی از بنگاه‌های کوچک با یک اتحادیه (سازمان) مرتبط هستند. مسئله ضعف نمایندگی اغلب به علت این واقعیت ایجاد می‌شود که سازمان‌های ملی کارفرمایی عموماً شامل بنگاه‌های بزرگ هستند. بدین ترتیب بنگاه‌هایی که در فهرست اعضای سازمان آورده می‌شوند با مسائل متفاوتی در مقایسه با بنگاه‌های کوچک روبه‌رو هستند. مسأله بعدی شکل نمایندگی یا چگونگی داشتن یک نقش فعال در سازمان‌های ملی است. اخیراً ILO با سازمان بین‌المللی کارآفرینان کار مشترکی انجام داده تا یک نرم افزار ON-LINE برای کمک به سازمان‌های ملی در دسترسی به بنگاه‌های کوچک و خرد فراهم شود. در این خصوص کشور فیلیپین تجربه جالب توجهی از رسیدن سازمان‌های ملی کارفرمایی به بنگاه‌های کوچک مقیاس، داشته است.

این همه در حالی است که سازمان‌های کارگری اغلب بر کارفرمایان بزرگ تمرکز کرده‌اند و به بنگاه‌های کوچک کمتر توجه داشته‌اند. بسیاری از کشورها نیازمند آن هستند که سازمان‌های کارگری روش‌های سودمندی برای رسیدن به اقتصاد بنگاه‌های کوچک به دست آورند. در اقتصاد غیررسمی، اتحادیه‌های تجاری برخی مواقع با

این امر نیازمند آن است که فعالان اقتصادی، حقوق و مسئولیت‌های خود را شناخته و بتوانند به بدنه‌های دیگر دولت مراجعه کنند یا اتحادیه‌های تجاری برای مقابله با فساد بازسازی شوند. بی‌شک این مسئله برای مؤسسات خارجی بسیار دشوار خواهد بود.

باید اشاره شود که تغییر سیاست، بالقوه مهم‌ترین راهبرد SED برای کاهش فقر است. چرا که این راهبرد می‌تواند بر کارآفرینان، بیشتر از پروژه‌های محلی اثر گذارد. به هر صورت عرصه سیاست (سیاست‌گذاری) چالش بزرگتری را در مفهوم ارزیابی اثر به وجود می‌آورد چرا که تشخیص این که تغییر سیاست (و نه دیگر عوامل) در فعالیت بهتر بنگاه‌ها و در کاهش فقر در سطح خانواده‌ها چقدر نتیجه بخش بوده، بسیار مشکل است. بنابراین ILO نیاز دارد که تلاش‌هایش را در زمینه ارزیابی اثر فعالیت‌هایش دنبال کند تا مطمئن شود که آن تغییر برای فقرا سودمند بوده است.

به علاوه تغییر سیاست در قبال بنگاه‌های کوچک باید توسط فرایندهایی کامل شود که محیط کلان اقتصادی، فراهم کردن عرصه خدمات عمومی مناسب و اطمینان از شبکه تأمین اجتماعی قابل اتکا را پشتیبانی می‌کنند. سیاست‌های گسترده در قبال بنگاه‌های کوچک هنگامی می‌توانند کارآترین و مؤثرترین باشند که این سیاست‌ها با استراتژی کاهش فقر کشور سازگار بوده و توسط دستور کار اشتغال عمومی ILO راهنمایی شوند.

کیفیت شغل:

در کشورهای در حال توسعه برای مردم، عادی است که فردی فقیر بماند. در این کشورها در یک سطح، دستمزد کارگران و سود مالکان بنگاه‌های متوسط، برای تأمین نیازهای اساسی ناکافی است. در همان زمان طبیعت کار به گونه‌ای است که فاقد تأمین حمایت، گفتگو و مشارکت مورد نیاز برای کاهش ابعاد گسترده فقر است. تا زمانی که عوامل پولی و غیرپولی مرتبط با فقر و کیفیت کار می‌توانند به طور جداگانه مورد بحث قرار گیرند، آنها به عنوان خود تقویت‌کننده بهتر درک شده‌اند. در ادبیات ILO ترکیب آنها در عبارت «کار شایسته به عنوان عامل بهره‌وری» اشاره شده است. در سازماندهی فعالیت‌های بنگاه کوچک، این مقوله اغلب به صورت مستقیم به عبارت «کیفیت کار،

تاکسی، دستفروشان خیابانی و کارگران غیررسمی در بخش پوشاک تمرکز کرده است. در ارتباط با دستفروشان خیابانی اقدامات برای ارتقای گفتگو با شهرداری و مراجع ملی به منظور کاهش آزار و اذیت و افزایش تأمین برای فعالیت‌های تجاری خیابانی، در حال پیشرفت است. این اقدام، حقوق، شان و توانایی کارگران فقیر خیابانی را حمایت می‌کند. دفتر ILO در مانیل در ارتقای حقوق و به رسمیت شناخته شدن کارگران اقتصاد غیررسمی شهر بسیار فعال بوده است. SED برای مدتی در کل دنیا برای ایجاد همبستگی (اتحادیه) فعالیت می‌کرده است. این اقدام به طور فزاینده‌ای تلاش می‌کند تا همبستگی یکپارچه‌ای برای پروژه‌های بزرگتر SED فراهم شود. این فرایند اخیراً در ویتنام، کامبوج، لائوس، غنا و تانزانیا بسیار فعال بوده است.

۴-۳: مشارکت‌های خصوصی - عمومی:

تعریف گسترده فقر فقدان دسترسی مناسب به مراقبت‌های بهداشتی اولیه، آب آشامیدنی، فاضلاب و آموزش را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر فقرا بنا بر تعریف، خارج از محدوده خدمت رسانی هستند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، دولت قادر است خدمات پایه را به طور مناسبی ارائه کند. این پدیده (ارایه مناسب خدمات پایه) در حاشیه شهرهای مرکزی و همچنین در اغلب مناطق روستایی با پرداخت‌های برنامه ریزی نشده رخ می‌دهد. فقدان خدمات، نتیجه مستقیم تأمین مالی نشدن و ضعف مقامات ملی و محلی است. اما اغلب تابعی است از فقدان نمایندگان مردم و فقدان حق اعتراض برای فقرای ساکن در محلات حاشیه‌ای و روستاییانی که صدای آنها در زمان تخصیص بودجه‌های عمومی شنیده نمی‌شود. وقتی دولت‌ها خدماتی را که باید، ارائه نمی‌کنند، بخش خصوصی اقدام به برآوردن نیازهای محلی می‌کند. این امر در دنیای در حال توسعه پدیده مشترکی است.



تفکیک افراد وابسته به کارگران و کارآفرینان کوچک، در میان افراد فقیر، سازماندهی کنندگان مؤثری بوده‌اند. فراهم کردن امکان نمایندگی از طریق سازماندهی اعتبارات و پس اندازهای مشترک و طرح‌های بیمه خرد می‌تواند کمک بزرگی به افراد آسیب پذیر بدون حمایت باشد. همزمان با گفتگوهای سیاسی، اتحادیه‌های کسب و کارهای کوچک، دیگر اشکال حمایت از اعضای خود را نیز فراهم کرده‌اند. این حمایت‌ها شامل اطلاعاتی درباره بازار، خدمات توسعه کسب و کار، سیاست‌های دولتی و مقررات می‌باشد. همچنین این اتحادیه‌ها می‌توانند چارچوب مهمی از ساختار شبکه‌ای برای اعضا باشند که فرصت‌های جدید تجاری را فراهم می‌کنند.

در ارتباط با فقر، ایجاد همبستگی (اتحادیه) به دو علت مهم است. یکی آن که اتحادیه‌های کسب و کارهای کوچک پاسخی به فقدان حق نمایندگی و حق اعتراض است که پیش از این در همین گزارش با عنوان یکی از ابعاد فقر درباره آن بحث شد. علت دوم آن است که فعالیت‌هایی که اتحادیه‌ها می‌توانند برای اعضای خود در قالب مفاهیم خدمات توسعه کسب و کار و گفتگوی سیاسی طراحی و سازماندهی کنند، منجر به توسعه بنگاه‌های کوچک شده و از طریق آنها اشتغال کیفی ایجاد شود.

فعالیت نهادهای خیریه برای گسترش مراکز توسعه خدمات مدیریت (SBA) باید با واقعیت‌های مرتبط با نمایندگان اقتصادی کشورهای فقیر مواجه شوند. در ظاهر بسیاری از کشورهای فقیر می‌توانند فهرستی طولانی از اتحادیه‌های اقتصادی تدوین کنند. اما مشکل آنجاست که بتوان تشخیص داد کدامیک از آنها واقعاً نماینده فعالان اقتصادی هستند. به این معنی که برخی اتحادیه‌ها تنها متکی به یک عضو قوی و فعال هستند و یا آن که تنها توسط یک رهبر توانا و با استعداد مدیریت می‌شوند. همچنین برخی از سازمان‌ها تنها به نام وجود دارند. علاوه بر این گاهی ممکن است یک سازمان تنها برای برآوردن نیازهای یک فرد تشکیل شده باشد. همچنین امکان دارد SBA ها در واکنش

به فعالیت‌های خیرخواهان ایجاد شوند. این موارد در سطح بالایی چالش برانگیز هستند. زیرا این قبیل انجمن‌ها و سازمان‌ها اغلب نمی‌توانند پس از اتمام حمایت‌های مالی پروژه به حیات خود ادامه دهند.

ILO پژوهش جالب توجهی درباره کارگران غیررسمی در آمریکا لاتین و آفریقا و به طو خاص در آفریقای جنوبی را پشتیبانی کرده است. این پژوهش توسط اتحادیه‌های تجاری برای سازماندهی و ارتقای حقوق و معیشت چنین کارگرانی به اجرا درآمده است. در آفریقای جنوبی این تحقیق بر رانندگان

دنیایی که بخش خصوصی فراهم کننده کلیدی مجموعه ای از خدمات است، مجموعه ای که از تلفن و آب تا آموزش و فاضلاب گسترده است. در کشورهای فقیر ۱۵ تا ۹۰ درصد آموزش های ابتدایی توسط مدارس خصوصی و ۱۵ درصد مخارج مراقبت های بهداشتی توسط کلینیک ها، داروخانه ها و بیمارستان های خصوصی ارایه می شوند. مشکل ارایه خدمات توسط بخش خصوصی آن است که اغلب اطمینان کنترل شده و مناسبی از کیفیت (و موقعیت های کار شایسته) به دست نمی آید. علاوه بر این، احتمال دارد این خدمات به صورت پراکنده ارایه شده و همچنین به تصمیم عرضه کنندگان خصوصی و توانایی آنها برای تأمین مالی مورد نیاز بستگی دارد.

همچنان که عرضه خصوصی همواره مناسب نیست؛ این بخش خدمات پایه را برای بسیاری از مردم فقیر فراهم کرده و به طور ویژه ای برای افراد فقیری که در فرایند عرضه خدمات نقش دارند، شغل ایجاد می کند. پشتیبانی از جنبه های درآمدی و خدمات پایه برای استفاده کنندگان خدمات و عرضه کنندگان خدمات یک بازی با جمع مثبت است. عرضه خصوصی احتمالاً به صورت طبیعی افزایش می یابد اما در بسیاری موارد نیازمند پشتیبانی است به ویژه اطمینان از استانداردهای مناسب و موقعیت های کاری و همچنین جلوگیری از رقابت ناعادلانه.

۴-۴: دسترسی به بازار:

اگر کالاها و خدمات بنگاه های کوچک و متوسط، بازار مناسبی به دست نیاورند، فعالیت های مولد آنها اثرات اندکی بر فقر خواهند داشت. در واقع مطالعات مختلف درباره بنگاه به طور مشترک نشان می دهد که فقدان تقاضای بازار، محدودیتی کلیدی برای عملکرد بنگاه است، فضای اندک معمولاً توسط سه عامل به وجود می آید.

- عملکرد ضعیف اقتصاد

- رقابت عرضه کنندگان بسیار زیاد برای جذب مصرف کنندگان بسیار کم

- مشکل بنگاه های کوچک و متوسط برای ابتکارات

مناسب و کالاها و خدمات بازار

اقدامات SED برای دسترسی به بازار به منظور غلبه بر مشکلات بعدی طراحی شده اند. یک حوزه کلیدی در دسترسی به بازار، اقدام ILO در خصوص گردشگری فرهنگی - اقتصادی در آمریکا لاتین است. اجتماعات مورد بحث غیرشهری هستند و اغلب افراد کوچنده و غالباً افراد بومی را شامل می شود. در اغلب مناطق دنیای در حال توسعه، اجتماعات بومی در زمره فقیرترین گروه ها قرار دارند. SED با مشارکت دولت ها، اتحادیه ها (سازمان ها) و دانشگاه هایی که از توسعه این اجتماعات به عنوان سایت های گردشگری پایدار حمایت کرده و گردشگران را

به دیدن این حوزه تشویق می کنند، فعالیت کرده و بدین ترتیب منجر به افزایش درآمد این اجتماعات شده است. اما در موارد بسیاری، نسبت درآمد حاصل از گردشگری مبتنی بر جامعه در تقابل با بودجه های اجتماعی است که برای رفاه، آموزش و بهداشت اعضای جامعه اختصاص یافته اند.

فعالیت در بخش گردشگری فرهنگی در کشور زامبیا اقدامات درآمدزای فقیران را مشخص کرده است. این فعالیت ها شامل تولید و فروش قایق کوچک، تدارک مراسم رقص و موسیقی و گسترش برگزاری تورهای کوچک است. ثروت قابل ملاحظه ای در آبشار ویکتوریا برای زامبیا وجود دارد، اگر چه زیمبابوه در این منطقه و در راستای گسترش گردشگری بسیار فعال تر است.

علاوه بر اینها ILO برای بهبود دسترسی زنان شاغل در اقتصاد غیررسمی به بازارها، فعالیت می کند. در این راستا تعدادی از رویکردهای خلاقانه نیز آزمون شده اند که عبارتند از:

- استفاده از نمایشگاه های بازرگانی در اتیوپی و تانزانیا

- حمایت از اطلاع رسانی بر مبنای محیط وب برای زنان کارآفرین حوزه کارائیب

- ارتقای سطح تولید صنایع دستی و صنایع غذایی در تانزانیا

اما میزان اثر این اقدامات بر کاهش فقر تاکنون شناخته نشده و ممکن است تشخیص آن دشوار باشد.

۴-۵: خدمات توسعه تجارت:

بنگاه ها برای شناخت بازار، توسعه تولیدات، اصلاح و ارتقای محصولات و بهبود مدیریت بر دامنه ای از خدمات توسعه تجارت (BDS) تکیه دارند. دولت ها و مؤسسات، در حال تغییر خط مشی خود هستند؛ به طوری که از عرضه این خدمات به صورت رایگان یا با سوبسید به سمت تشویق عرضه کنندگان خصوصی می روند تا این خدمات را بر مبنای منطق تجاری ارائه کنند. این رویکرد جدید توسط ILO در همایش سالانه BDS ترویج شده است و امسال در پنجمین سال این تلاش، صاحب نظران و سیاستگذاران از بیش از ۹۰ کشور دعوت شده اند تا درباره عقاید جدید و تجارب خود بحث و گفتگو کنند.

کاربرد این دیدمان (پارادایم) جدید که توسط کمیته خیریه توسعه بنگاه های کوچک بسط یافته است نه تنها به توفیق فعالیت های تجاری منجر شده بلکه اقدامات فقیرترین کارآفرینان خود را نیز با موفقیت رو به رو کرده است. یکی از تجارب اولیه ILO در خصوص رویکرد BDS همکاری با برنامه های رادیویی خصوصی در غنا و اوگاندا بوده است. در قالب این همکاری، ایستگاه های رادیویی خصوصی

محور شده است. اخیراً در بنین همکاری با دستفروشان زنی که مواد غذایی می‌فروشند، مثال دیگری از برنامه ریزی برای شناسایی نیازهای زنان است. در حالی که هم‌زمان با آن، کار با این گروه‌ها بر بخش‌های مردم‌محور متمرکز شده است.

بسته‌ای با عنوان آموزش کارآفرینی زنان نهایی شده است که به زنان فقیر در مراحل آغازین و مراحل بعد از آن کمک خواهد کرد. همانند SIYB این بسته مهارت‌های مدیریتی را گسترش می‌دهد. اما در کنار آن مشخصات شخصی، ایجاد اعتماد به نفس و دیگر مشخصات کارآفرینی را نیز مشخص می‌کند.

۴-۷: کارآفرینی جوانان:

در بسیاری از کشورهای نرخ بیکاری افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله دو برابر نرخ بیکاری افراد بالغ است. در واقع نیم میلیون جوان در دهه آتی به بازار کار وارد خواهند شد. در نتیجه دولت‌ها و موسسات بین‌المللی به مسأله بیکاری جوانان و یافتن راهبردهای موثر اشتغال توجه فزاینده‌ای دارند. گسترش کارآفرینی یکی از راهبردهاست.

توجه و اقدام متمرکز - آنچه که دبیرکل سازمان ملل با عنوان شبکه اشتغال جوانان مطرح کرد - میان سازمان ملل، بانک جهانی و سازمان بین‌المللی کار مشترک است. این توجه و تمرکز یک عامل هدایت‌کننده است. SED در شبکه اشتغال جوانان (YEN) مشارکت کرده است. به ویژه در کارگروه کارآفرینی در ابتدا پنج کشور سنگال، اندونزی، بلغارستان، سریلانکا و نامیبیا داوطلب شدند تا طرح‌های YEN در آنها آزمون شوند و اخیراً شش کشور دیگر به این جمع افزوده شده‌اند. در اندونزی از سال ۲۰۰۲، ILO با مشارکت دولت و سازمان‌های کاریگری و کارفرمایی طرح‌های مختلف اشتغال جوانان را به اجرا درآورده است. در نتیجه این اقدامات، «طرح فعالیت اقتصادی‌ات را آغاز کن» در نظام آموزشی، افراد جوان، جایگزین یا مکمل طرح درباره فعالیت اقتصادی خود اطلاعات داشته باش شده است. هر چند اغلب دانش آموزانی که تحت این آموزش قرار می‌گیرند فقیرترین افراد جامعه نیستند اما آنها نماینده گروه آسیب‌پذیر جامعه هستند.

برنامه «درباره فعالیت اقتصادی خود اطلاعات داشته باش» برنامه‌ای درسی است که توسط ILO به منظور آموزش دانش آموزان مؤسسات فنی و حرفه‌ای و دانش آموزان نظام آموزش عمومی گسترش یافته تا آنها درباره دنیای کسب و کار و فرصت‌های آینده به عنوان کارآفرین آشنا شوند. این برنامه در سطح دانشگاهی طراحی شده است. این بسته آموزشی اخیراً در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین استفاده شده است. این بسته

تشویق می‌شدند و به آنها کمک می‌شد تا برنامه‌هایی درباره اقدامات دولت، قوانین و مقررات، خدمات و بازارهای مربوط به بخش بنگاه‌های کوچک و متوسط اجرا کنند. نکات سیاستی و قانونی که از این برنامه‌ها به دست آمد منجر به تغییرات مهمی در خصوص بنگاه‌های کوچک و متوسط، به علت تعداد زیاد افراد مرتبط با بنگاه‌های کوچک و متوسط، این برنامه‌ها معروف و پرطرفدار هستند.

ارتباط بین BDS و مالیه، موضوع ابتکار دیگر ILO است. این پژوهش مبتکرانه، بیش از ۲۵ پروژه در سطح دنیا که تلاش کرده بودند ارتباطی میان اعتبارات خرد و BDS برقرار کنند را (به ویژه در مدیریت آموزش) مرور کرده است. این مرور و بازنگری چنین یافت که خدمات مدنظر می‌توانستند با موفقیت به یکدیگر مرتبط شوند اما مدیریت اجرایی باید با دقت طراحی و پیاده می‌شد (و چون این گونه نبوده است) فعالیت‌های مربوط به اعتبارات خرد نتوانست از عهده مسؤلیت تدارک BDS برآید. این آگاهی در توسعه و بسط یک پروژه جدید BDS مرتبط با مالیه در بولیوی، به کار رفته است. ILO مراکز تجاری BDS را که برای شروع و بسط بنگاه‌های کوچک و متوسط تلاش می‌کنند آزمون کرده است.

محدوده جغرافیایی این پروژه بلغارستان، صربستان و مونتنگرو، بوسنی و کوزوو را در برمی‌گرفت. این کشورها کاستی‌های مختلفی را در حوزه حمایت‌های اجتماعی و توسعه اجتماعی در دهه ۱۹۹۰ تجربه کرده‌اند؛ چرا که فقر و بیکاری به صورت ناراحت‌کننده‌ای در این کشورها افزایش یافته بود، مراکز تجاری مدنظر ILO، در مناطق فقیرتر این کشورها مستقر شدند؛ مناطقی که در اثر جنگ ویران شده بودند. همکاری میان این مراکز و مؤسسات خدمات اشتغال سبب شد تا افراد بیکار به مراکز ارجاع داده شوند تا بیاموزند که چگونه یک فعالیت اقتصادی جدید را راه‌اندازی کنند. این فعالیت از کاهش فقر نسبی، بیشتر از فقر مطلق در فقیرترین مناطق دنیا حمایت و پشتیبانی می‌کند.

۴-۶: کارآفرینی زنان و برابری جنسی:

زنان با موانع ویژه‌ای در مبارزه با فقر روبه‌رو هستند و اغلب نیازمند حمایت‌های هدفمند برای راه‌اندازی یا گسترش بنگاه می‌باشند. در ILO کارآفرینی زنان از طریق پروژه‌هایی خاص و جریان غالب عدالت جنسی در فعالیت‌های مربوط به بنگاه‌های کوچک پیشرفت کرده است. نسبت بالایی از افرادی که تحت آموزش SIYB قرار داشته‌اند یا در جمع‌آوری زباله بودند و یا در مشاغل غیررسمی خیابانی فعالیت می‌کنند، زنان هستند. تلاش برای همکاری با بخش پوشاک در سریلانکا منجر به همکاری با زبربخش زن

SED قرار گرفته، توسط کارشناسان دفاتر مربوطه پشتیبانی می‌شود. با این حال واحدهای تخصصی دیگری در ILO وجود دارند که درباره بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط فعالیت می‌کنند. این واحدها شامل واحد اعتبارات اجتماعی (اعتبارات خرد)، بخش قابلیت‌ها و مهارت‌های کار (آموزش مهارت‌های حرفه‌ای) و شاخه تعاونی (بنگاه‌های تعاونی) هستند.



۵-۱: اعتبارات خرد:

یکی از رویکردهای متداول به کاهش فقر، تهیه و تدارک اعتبارات خرد است. این اعتبارات اغلب توسط خانوارهای فقیر برای تشکیل بنگاه‌های خرد به ویژه در بخش غیررسمی استفاده می‌شود. اعتبارات خرد روش مفیدی برای هدایت پول به سمت فقرا و کسانی است که در به دست آوردن اعتبار از موسسات مالی رسمی مانند بانک‌ها با موانع متعددی روبه‌رو می‌شوند. اگر چه شواهد قابل توجهی وجود دارد که از اثر مثبت اعتصابات بر مردم فقیر حکایت می‌کنند، اما مسأله چالش برانگیز و قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که اثر نهایی اعتصابات بر کاهش فقر و یارانه‌ها نیازمند اعتبار برای رسیدگی به فقرا می‌باشد.

با وجود دامنه وسیعی از موسسات خیریه و NGOهای پشتیبانی کننده و ارائه کنندگان اعتبارات خرد، برنامه اعتبارات اجتماعی، رویکرد ILO محور را گسترش داده است. این برنامه بر سه مورد اتکا دارد.

۱- کاهش آسیب پذیری (تضاد قدیمی میان کارگری که دستمزدش را پیش از این قرض گرفته است. پس انداز، وام‌های اضطراری و بیمه‌های خرد)

۲- اشتغال زایی از طریق توسعه بنگاه (لیزینگ خرد، سهام خرد، نظام‌های تضمین مجازی)

۳- سیاستگذاری مالی با حساسیت بیشتر بر اشتغال (تحقیق در اعتبارات خرد و آزاد سازی مالی، رصد کنندگان اعتبارات خرد، اتحادیه‌های موسسات اعتبارات خرد)

مطالعه ارتباط میان اعتبارات خرد و مراکز آموزش مدیریت، یکی از مسؤولیت‌های مشترک واحدهای ILO بوده است.

توسعه اعتبارات خرد، به همراه SED مورد توجه است تا به عنوان ابزاری برای شناخت بیشتر استفاده کنندگان از اعتبارات خرد کارآفرینی به کار روند، بسیاری از مشتریان اعتبارات بر مبنای فعالیت‌های درآمدزای خانوار کار می‌کنند.

بنابراین به این فعالیت‌ها به عنوان کارآفرینی فکر نمی‌کنند، این قبیل استفاده کنندگان از اعتبارات خرد علاقه‌ای به رشد و توسعه فعالیت‌های خود ندارند؛ اما در مقابل نیازمند درآمد اضافی اندکی هستند تا مصرف خود را تثبیت کرده و در برابر مخارج فوق العاده، پوشش بیمه‌ای

به طور رسمی به عنوان بخشی از برنامه درسی آموزش‌های فنی - حرفه‌ای ملی در کشورهای قزاقستان و قرقیزستان، متناسب با شرایط این کشورها تدوین شده است. همچنین سنگال و اندونزی نیز طراحی مشابهی را در برنامه درسی آموزش عمومی خود در پیش رو دارند.

۴-۸: مهاجرت و فقر نسبی:

بدون اشتغال مناسب برای نسل جوان، تشکیل زندگی تثبیت شده، مشکل خواهد بود. این امر اغلب موجب افزایش مهاجرت خواهد شد به ویژه در کشورهایی که با مناطق ثروتمندتر همسایه (هم مرز) هستند. وضعیت کشورهای شمال آفریقا آئینه تمام نمای این مسأله است. بنابراین ILO با مشارکت سهامداران در مراکش و تونس بخش بنگاه‌های کوچک و متوسط را توسعه داده است تا اشتغال مناسب ایجاد شده و در نتیجه جریان مهاجرت به اروپا محدود شود.

در این کشورها به طور نسبی، فقر حداکثری کمتر شایع است. در این دو کشور کمتر از دو درصد مردم با کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند. با این حال فقر در مراکش و تونس وجود داشته و ۱۴ درصد مردم مراکش و ۱۰ درصد مردم تونس با روزی کمتر از دو دلار زندگی می‌کنند. بر مبنای خط فقر بین المللی ۱۹ درصد مراکشی‌ها و ۷/۹ درصد تونسی‌ها فقیر محسوب می‌شوند. این برنامه از طریق مشاوره، حمایت تکنیکی و آموزش مدیریت به افراد بیکار کمک می‌کند تا کار شخصی خود را خلق کنند و به افراد فعال در بخش غیررسمی کمک می‌کند تا شغل خود را گسترش داده و به بخش رسمی وارد شوند. اگر چه افراد بهره‌مند از این برنامه‌ها همانند بخش‌های زیر صحرای آفریقا یا جنوب آسیا فقیر نیستند؛ اما در عوض این برنامه کاهش فقر نسبی در این جوامع خاص را مدنظر قرار داده است.

۵- مشارکت‌های آتی:

فعالیت‌های ILO درباره بنگاه‌های کوچک که در برنامه

تعدیل بسته SIYB با شرایط بخش‌های خاص به عمل می‌آید. برنامه «مجموعه اقتصادی از دست رفته خود را آغاز کن و بهبود بده» در سال ۲۰۰۱ در زامبیا تدوین شده بود که به عنوان بخشی از اقدامات گسترش یافت. علاوه بر این، برنامه مذکور در آفریقای جنوبی برای تثبیت و توسعه استفاده از مزارع شخصی بایر در فعالیت‌های زیرساختی و ساختمانی مورد تشویق قرار گرفت. این اقدام اخیراً در زامبیا با تعدیل بسته SIYB متناسب با بنگاه‌های فعال در فعالیت‌های توریستی - فرهنگی (چتر بازی، موسیقی، هنر، گردشگری) به عنوان بخشی از برنامه دسترسی به بازار تلقی شده است.



همچنین SED طرح‌های مبتنی بر بنگاه را برای آموزش فنی - حرفه‌ای و استفاده از آموزش به عنوان ابزاری برای کاهش بیکاری جوانان مطالعه کرده است. این مطالعه نشان داد که بیکاری جوانان در کشورهایی که چنین طرح‌هایی دارند به ویژه در شمال شرقی اروپا کمتر است. آموزش بنگاه محور به نظام‌های کارآموزی محدود نمی‌شود، بلکه انواع متنوع آموزش را در بر می‌گیرد که کارکردن و یاد گرفتن در بنگاه را با برنامه موسسات آموزشی ترکیب می‌کنند. همچنین موسسات دیگر، اقداماتی برای ارائه طرح آموزش فنی - حرفه‌ای به بنگاه‌های کوچک و خرد به صورت اقتصادی آغاز کرده‌اند. یک مثال جالب توجه در این خصوص پروژه کوپن آموزش با تخفیف است که در کنیا توسط بانک جهانی آغاز شده است. این طرح از این جهت قابل توجه است که بر بنگاه‌های کوچک و متوسط

برای خود فراهم کنند. با این حال حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد وام گیرندگان اعتبارات خرد کارآفرین بوده و علاقمند به رشد کسب و کار خود هستند. یک ابزار غربالگری می‌تواند برای موسسات ارایه کننده اعتبارات خرد مفید باشد. چرا که کمک می‌کند گروه کارآفرین از انبوه استفاده کنندگان اعتبارات خرد تشخیص داده شوند، در نتیجه موسسات ارائه کننده اعتبارات خرد می‌توانند از مشتریان ارزشمند با مبالغ وام بیشتر و فراهم کردن BDS غیرمالی (آموزش مدیریت) حمایت کنند.

۲-۵: توسعه اقتصاد محلی (LED):

فرایندهای توسعه محلی ریشه در راهبردهای توسعه روستایی و توسعه منطقه ای دارند. رویکرد توسعه اقتصاد محلی بر سرزمین معین یا محلی خاص تمرکز داشته و دربرگیرنده عوامل پشتیبانی کننده محل (خصوصی و عمومی) برای بسط یک راهبرد توسعه چند جانبه بر مبنای فرصت‌ها و محدودیت‌های محلی می‌باشد. رویکرد مشارکت جویانه و فراگیر توسعه اقتصاد محلی اگر چه در سطحی پایین‌تر از سطح ملی است؛ اما چیزی شبیه آن فرایندی است که در گزارش‌های فقرزدایی مشاهده شده است. در موارد بسیاری، سرزمین مدنظر دارای دولت محلی است و دولت محلی یا بنگاه توسعه اقتصاد محلی (LEDA) نقش عامل رهبری کننده را ایفا می‌کند. بسیاری از کشورهای توسعه یافته در سطح شهر و منطقه دارای LEDA هستند. رویکرد توسعه محلی مانع وجود دیگر رویکردهای خاص نمی‌شود. در واقع این رویکرد در جستجوی دربرگرفتن دیگر مداخلات مناسب به عنوان بخشی از فرایند بزرگتر است. بنابراین ابزارها و رویکردهای SED می‌تواند بخش مهمی از ابزارهایی باشد که توسط LED به کار می‌روند. از آنجا که توسعه بنگاه‌های کوچک، بخشی از راهبرد توسعه اقتصاد محلی را شکل می‌دهد، سیاست بنگاه‌های کوچک، آموزش مدیریت، دسترسی به بازار و دیگر فعالیت‌هایی که ممکن است به کار روند را اصلاح می‌کند.

۳-۵: آموزش‌های فنی - حرفه‌ای:

از آنجا که بسیاری از فقیران، درآمد خود را از تجارت (دستفروشی)، مشارکت در تولیدات خانگی، محصولات زراعی و عرضه خدمات به دست می‌آورند، آموزش‌های فنی - حرفه‌ای می‌تواند به افزایش اثربخشی و کیفیت کالاها و خدمات تهیه شده توسط فقیران کمک کرده و به عنوان ابزاری برای افزایش درآمد بنگاه‌ها و کارگران آنها استفاده شود. اغلب آموزش‌های در سطح بنگاه SED، آموزش مدیریت با تمرکز بسیار کم بر افزایش مهارت‌های حرفه‌ای می‌باشد. در موارد استثنایی تلاش‌هایی برای

لیزینگ خرد است شکل دهد. پیشرفت ماشین گرایی باید نسبت به علائق نیروی کار حساس بوده و در شرایطی که فناوری‌های سرمایه‌بر احتمالاً منجر به کاهش تقاضای کار در کوتاه مدت می‌شوند، تعادل برقرار کند. فناوری در بنگاه‌های کوچک، فقط استفاده نمی‌شود بلکه به خوبی در این بنگاه‌ها ایجاد می‌شود. بنگاه‌هایی که می‌توانند با هزینه کم، تولید کنند بر فناوری‌های دیگر فعالیت‌های اقتصادی، کشاورزان و خانوارها که احتمالاً تحت فشار جریان افزایش بهره‌وری این فعالیت‌ها قرار دارند، تأثیر خواهند گذاشت.

۶- یک نتیجه‌گیری ممکن:

مرور اقدامات انجام شده نشان می‌دهد که اقدامات SED جنبه‌های کلیدی مفهوم حدی فقر را مشخص کرده و بیانگر آن است که در بسیاری موارد فقیران، نامزدان بهره‌مندی از خدمات هستند. هم‌زمان با این مطلب، در اثر همکاری و مشارکت نزدیک واحدهای مختلف ILO در حوزه‌های مختلف به ویژه حوزه اعتبارات خرد و آموزش‌های فنی حرفه‌ای، پیشنهادات مشخصی مطرح شده‌اند، بخش نتیجه‌گیری این گزارش، راهبردی ممکن برای کاهش فقر از طریق بنگاه‌های کوچک را مطرح می‌کند. این راهبرد یک راهبرد ممکن است که کارکنان برنامه SED علاقه‌مند هستند که به عنوان مبنای مذاکرات و توسعه یک راهبرد رسمی مورد استفاده قرار گیرد.



الف) هدف:

در این بخش ILO در جستجوی کاهش فقر از طریق توسعه فعال، سرزنده و همراه با بهره‌وری بنگاه‌های کوچک است که برای مالکان بنگاه‌ها و کارگران آنها کار شایسته ایجاد می‌کنند.

ب) اصول کلی:

۱- زمانی بنگاه‌های کوچک، مشارکت مبتنی بر کاهش فقر خواهند داشت که اشتغال، سطوح مناسبی از کیفیت شغل و کالاها و خدمات ارزانی که توسط افراد فقیر استفاده می‌شوند را فراهم کنند. افراد فقیر اغلب با فقدان اشتغال مناسب روبه‌رو هستند که اقدام به تأسیس بنگاه‌های کوچک می‌کنند، اشتغال ایجاد کرده و موجب

به عنوان دریافت کنندگان آموزش و تولید کننده تمرکز دارد. وجود و میزان یارانه به این کوپن وسعتی داده که این طرح احتمالاً به عنوان یک دیدمان جدید به مراکز آموزش مدیریت طبقه‌بندی شود. با این حال تاکنون مشخص نشده که آیا افراد تحت پوشش این طرح افراد بسیار فقیر را نیز دربرگرفته است یا خیر؟ UNIDO نیز برنامه مشابهی را برای آموزش کارآفرینان در اوگاندا با عنوان «چتربازان حرفه‌ای» اجرا کرده است.

۴-۵: تعاونی‌ها و نواحی روستایی:

تعاونی‌ها ابزار مهمی برای بهبود وضعیت اقتصادی گروه‌های فقیر هستند. در مناطق روستایی جایی که اکثر افراد فقیر در آنجا زندگی می‌کنند تعاونی‌ها، مشترک هستند. دو مسیر مهم وجود دارد که توسعه بنگاه‌های کوچک و توسعه تعاونی‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌کنند. نخست اتحادیه‌های تجاری تعاونی است (CBA) که برای بنگاه‌های کوچک عضو خدمات (BDS) فراهم می‌کنند. دوم آن که اتحادیه‌های تجاری تعاونی و دیگر انواع تعاونی احتیاج دارند که به خوبی مدیریت شوند تا موثر باشند. تکنیک‌های مدیریتی که برای بنگاه‌های کوچک توسعه یافته‌اند، احتمالاً در تقویت مدیریت تعاونی‌ها نیز مفید هستند.

SED و شاخه‌های دیگر ILO گزارش مشترکی با عنوان اتحادیه‌های تجاری تعاونی و ظرفیت آنها برای کشورهای در حال توسعه تهیه کرده‌اند. این گزارش اشاره می‌کند که هر چند CBAها در کشورهای توسعه یافته موفق بوده‌اند اما شناخت اندکی از آنها وجود داشته و در کشورهای در حال توسعه شناخت گسترده‌ای از آنها وجود ندارد. به هر صورت SED و شاخه تعاونی‌ها به طور هم‌زمان فراهم کردن ابزاری برای بنگاه‌های کوچک را مطرح کرده‌اند تا آنها بتوانند در برابر شرکت‌های بزرگ و در بازارهای محلی و بین‌المللی رقابت کنند.

۵-۵: فناوری برای ارتقای بهره‌وری:

علاوه بر عامل نیروی کار، بهره‌وری می‌تواند از طریق استفاده از ماشین و دیگر داده‌های سرمایه‌ای افزایش یابد. SED گرایش به ماشین‌آلات را گسترش نداده است. حتی اگر به درستی شناسایی شده باشد که اجرت اندک در بنگاه‌های کوچک ناشی از ناکافی بودن ابزار و ماشین‌آلات بوده است و حتی در اقتصاد غیررسمی که این امر منجر به کاهش بهره‌وری می‌شود. بر این اساس SED خواهان رویکردی است که در زمان استفاده از ماشین، نسبت به نیروی کار حساس باشد. این امر می‌تواند همکاری نزدیک و بیشتر واحدهای ILO که درباره بهره‌وری کار می‌کنند را با برنامه اعتبارات اجتماعی که متخصص

افزایش بهره‌وری نه تنها به بنگاه اجازه می‌دهد که موفق باشد بلکه از طریق فرایند سهیم شدن می‌تواند منجر به افزایش سود و دستمزد کارگران شود.

اجازه می‌دهد که موفق باشد بلکه از طریق فرایند سهیم شدن می‌تواند منجر به افزایش سود و دستمزد کارگران شود. بهره‌وری همانند ماشینی کردن و پیشرفت‌های فناوری می‌تواند از طریق موقعیت‌های بهتر کاری، روابط سازنده کاری و افزایش دسترسی به بازار، ارتقا یابد.

۲- بنگاه‌های تغییر پذیر، بازارهای رقابتی و جهانی شدن عادلانه، می‌تواند اثر معناداری بر کاهش فقر داشته باشد. بازارها ابزارهایی هستند که بنگاه‌ها از طریق آنها عرضه را تأمین می‌کنند. نیروی کار استخدام می‌کنند و به مصرف‌کنندگان می‌رسانند. قیدهای بازارها محدود به ثروت و اشتغال زایی است که افراد فقیر را بهره‌مند می‌کنند. این قیود شامل مداخلات منفی در بازار، همانند وضع قوانین و مقررات است. بنگاه‌های کوچک معمولاً بیشتر از بنگاه‌های بزرگ تحت تأثیر این مسائل قرار می‌گیرند. احتمالاً دولت‌ها نیازمند کاهش نقش خود هستند. در واقع شاید آنها باید از سر راه کنار بروند. همچنین دخالت منفی می‌تواند از جانب خود بنگاه‌ها به صورت انحصار، تباری و اقدامات تجاری ناعادلانه به وجود آید. در این موارد دولت نقش حافظ رقابت عادلانه را برعهده دارد. در بازار کار، کارگران باید بر حسب مهارت‌هایشان استخدام شوند نه بر اساس معیارهای قومی، جنسی، نژادی یا طبقه اجتماعی.

بازارها وقتی توسط کالا‌های عمومی پشتیبانی می‌شوند بهتر کار می‌کنند. تا زمانی که ساختار حمل و نقل و ارتباطات به کارآفرینان اجازه دسترسی به عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان می‌دهند، آموزش عمومی و آموزش مهارت‌ها برای افزایش بهره‌وری ضروری هستند. آب، انرژی و مراقبت‌های بهداشتی دیگر خدمات مهم هستند که دولت می‌تواند در بازار خدمات عمومی به عنوان یگانه فراهم کننده یا یک شریک و تنظیم کننده با بنگاه‌های خصوصی مشارکت کند.

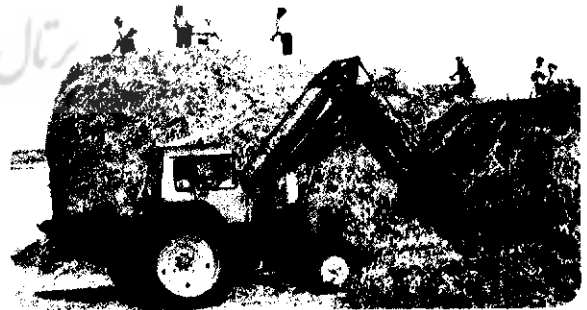
همبستگی فزاینده منطقه‌ای و بازارهای جهانی برای کارگران و کارفرمایان پیامدهای منفی دارد. فقرا به عنوان کارگران کارخانه‌ها، تولیدکنندگان کالا و مالکان بنگاه‌ها، اغلب به طور مستقیم تحت تأثیر جهانی شدن قرار می‌گیرند.

دولت نقش مهمی در خلق مقررات جهانی شدن عادلانه دارد. در سطح خرد، فقرا می‌توانند از طریق اقدامات فزاینده بهره‌ور، ارتقای خوشه‌های اقتصادی و درک تغییرات تقاضاهای بازار

درآمدزایی برای خود و کسانی که استخدام کرده‌اند می‌شوند. افراد فقیر ممکن است کار کنند ولی درآمد، سود، حقوق تأمین اجتماعی مرتبط با شغل آنها معمولاً به حد مناسبی نیست که آنها را از فقر جدا کند. این عده کارکنان فقیری هستند و بسیاری از آنها در بخش غیررسمی کار می‌کنند. در این خصوص نیاز به پیشرفت‌هایی احساس می‌شود به طوری که مشاغل این عده از افراد بتواند سطح قابل قبولی از شایستگی (به مفهوم کار شایسته) را به دست دهد.

وقتی بنگاه‌ها در شرایط بازار رقابتی اقدام به تولید کالا‌های اساسی (غذا، لباس و...) می‌کنند، سود افراد فقیر در سطح پایینی قرار داشته و بدین سبب هزینه زندگی آنها نیز در سطح پایینی نگه داشته می‌شود. این اصل در مورد خدمات نیز صادق است. در بسیاری موارد، بنگاه‌های کوچک اقدام به عرضه خدمات پایه مانند آب، فاضلاب و آموزش می‌کنند که بخش عمومی آنها را تهیه و ارائه نمی‌کند. به علت ماهیت عمومی این خدمات، بنگاه‌های کوچک اغلب می‌توانند به صورت مشارکتی از طریق دریافت فرانشیز، پیمانکاری‌های فرعی، واگذاری و دیگر اشکال مشارکت خصوصی - عمومی یا بخش عمومی همکاری کنند.

۲- کارآفرینی در کنار افزایش بهره‌وری یک مؤلفه (ترکیب) کلیدی برای کاهش فقر از طریق بنگاه‌های کوچک است. کارآفرینی عمل خلاقانه‌ای برای مشخص کردن تقاضای بازار و هدایت منابع تولید در مسیری کارا به منظور پاسخ به تقاضا است. کارآفرینی منجر به سرمایه‌گذاری و اشتغال زایی می‌شود. برای فقیران مهارت کارآفرینی یکی از منابع معدودی است که برای زندگی در اختیار دارند.



کارآفرینی زمانی می‌تواند موفق باشد که دولت‌ها مسئولیت خود را در قبال تحریک کسب و کارها، سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری نادیده گرفته شده و یک ساختار تحریک کننده مالیاتی که برنامه و محاسبات ریسک پذیر را رقم می‌زنند، بپذیرند. برای رقابت کردن، بنگاه‌ها الزاماً باید کارا باشند. افزایش بهره‌وری نه تنها به بنگاه

کارفرمایان می‌توانند از طریق اتحادیه‌های عضو محور دموکراتیک همانند سازمان‌های ملی کارفرمایی، اتاق بازرگانی و اتحادیه‌های اقتصادی کوچک، دیدگاه‌های خود را بیان کنند. کارگران نیز سازمان‌های خود را دارند که می‌توانند نظرات اعضای خود را به سطوح ملی بالاتر منتقل کنند. اتحادیه‌های تجاری باید به گسترش راهنماهای خود از طریق پشتیبانی اقتصادی کارگران و کارآفرینان خرد ادامه دهند.

۲- ILO قوانین شفاف، ساده و غیراجباری و وضع مقررات برای ایجاد یک محیط سیاستی هدایت‌گر برای اقتصاد مبتنی بر بنگاه را پیگیری خواهد کرد.

ایجاد محیط سیاستی درست می‌تواند تأثیری محوری و تعیین کننده داشته باشد. زیرا این محیط بر تمام بنگاه‌های اقتصادی اثر گذار است. دامنه مقررات و سیاست‌ها وسیع است. در نهایت بنگاه‌ها از طریق اتحادیه‌های خود نیازمند گفتگو با دولت‌ها درباره اصلاح محیط سیاستی خواهند بود. فرایند سازی دقیق سیستم، که قرن‌ها در کشورهای پیشرفته به کاررفته است، باید تداوم یابد.

وضع قوانین ساده اجازه می‌دهد که فعالیت‌های اقتصادی به سرعت آغاز به کار کرده و اقدام به ساخت کالاها و ارائه خدمات کنند. سطح مقررات بر این مسأله اثرگذار خواهد بود که آیا کارآفرینان ورود به اقتصاد رسمی را در مقابل ورود به اقتصاد غیررسمی انتخاب خواهند کرد یا خیر. همچنین دولت باید مؤسسات ملکی و تحت قراردادی که برای بازار مبادلات ضروری هستند را راه‌اندازی کند. بدیهی است حقوق مالکیت تعریف شده برای سرمایه‌گذاری به کارآفرینان اعتماد می‌دهد. همچنین چنین حقوقی اجازه می‌دهد که مالکیت به عنوان وثیقه در مالیه‌ای مطمئن به کار رود. قوانین مربوط به قراردادهای مؤسسات قانونی مربوط به کارایی آن که توسط مرجعی قانونی و غیرفاسد حمایت می‌شوند، امکان آن را فراهم می‌کنند که قراردادهای و اظهارنامه‌ها، شکست فعالیت‌های اقتصادی را پیگیری کنند.

۴- ILO فرهنگ مثبت کارآفرینی را در میان همه اعضای جامعه مشتمل بر افراد جوان و کارمندان بخش عمومی ارتقا خواهد داد.

توسعه فرهنگ کارآفرینی به هر صورت فقط برای فعالان اقتصادی موجود تدوین شده است. این عده ریشه کارآفرینی را در تثبیت شغل خود یافته‌اند و در بسیاری موارد نیازی به تشویق بیشتر نداشته‌اند. در مقابل، یک

حمایت و پشتیبانی شوند. ارتباطات میان بنگاه‌های کوچک و بنگاه‌های بزرگ و همکاری با خریداران منطقه‌ای و جهانی می‌توانند منابع مهم ابداع باشند. مدارک و شواهد رهبری (برای مثال در برابر کار اجباری یا غیرقانونی) می‌تواند کارصادقانه فقیران را با مصرف کنندگان با وجدان و وظیفه شناس در بازارهای خارجی مرتبط کند.

ج) راهبردها:

۱- ILO برنامه‌های همبسته‌ای را تدوین خواهد کرد که با راهبردهای ملی کاهش فقر و فرایندهای توسعه اقتصاد محلی همراستا است.

ILO اخیراً حمایت از برنامه‌های

ملی مربوط به بنگاه‌های کوچک را در کشورهای مختلف (ویتنام، سریلانکا، غنا) آغاز کرده است. این برنامه‌ها امکان توسعه زیرساخت‌های دانشی را فراهم می‌کنند که آیا بازارها در مسیر کاهش فقر کار می‌کنند یا خیر. این رویکردهای همبسته (همراستا) هم افزایی ایجاد می‌کنند. برای مثال، اطلاع از بررسی

محیط یک سیاست می‌تواند اتحادیه‌های تجاری (اقتصادی) را به سمت گفتگو با دولت‌ها هدایت کند. این امر به ILO اجازه می‌دهد شکاف‌ها را در بازار شناسایی کرده (برای مثال خدمات توسعه تجارت) و رویکردهایی را برای فعال‌تر کردن بازارها طراحی کند.

برنامه‌های ملی بنگاه‌های کوچک در چارچوب گزارش‌های راهبرد کاهش فقر (PRSP) توسعه یافته‌اند. ILO می‌تواند از مشارکت در طراحی PRSP و اجرایی شدن فعالیت‌های توسعه بخش خصوصی و اجزای آنها حمایت کند. علاوه بر این، توسعه بنگاه‌های خصوصی جنبه مهمی از فرایندهای توسعه اقتصاد محلی (LED) است که دامنه متعددی از سهامداران خصوصی و عمومی به دست می‌دهد. ILO در آینده ابزارها و رویکردهای توسعه بنگاه را بیش از پیش با فرآیند گسترده LED مرتبط خواهد کرد.

۲- ILO با دولت‌ها و سازمان‌هایی که نماینده کارگران و کارفرمایان هستند برای توسعه اقتصاد مبتنی بر بنگاه‌ها بیشتر همکاری خواهد کرد.

دولت‌ها و نمایندگان کارگران و کارفرمایان نیازمند یک گفتگوی فعال هستند که چگونه بخش خصوصی می‌تواند از رشد به نفع فقرا حمایت کند. ILO به مانند یک تسهیل‌گر صادق در روابط سه جانبه می‌تواند از طریق فرایند PRSP به تشویق و تداوم این گفتگو کمک کند.



جوانان باید تشویق شوند که درباره فعالیت‌های اقتصادی خود به عنوان یک گزینه در مسیر شغلی و ترکیب آن با مهارت‌های تکنیکی فکر کنند.

بازار توسعه یافته، بنگاه‌ها می‌توانند با پرداخت هزینه مربوطه، به خدمات سایر بنگاه‌های خصوصی دسترسی داشته باشند. این خدمات می‌تواند شامل آموزش، اعتبارات، خدمات مشاوره‌ای، کمک در بازاریابی، اطلاعات، توسعه فناوری و حمل و نقل و ارتقای ارتباطات تجاری باشد.

با این حال بسیاری از بازارها کاملاً توسعه نیافته‌اند و نقشی ابتدایی برای اتحادیه‌های تجاری، NGOها و مؤسسات خیریه باقی مانده است. گسترش و پشتیبانی از عرضه و تقاضای خدمات، مربوط به فعالیت‌های اقتصادی است. این مقوله احتمالاً شامل آموزش مربیان خصوصی برای ارائه دوره‌های کارآفرینی، بازاریابی و برنامه‌ریزی استراتژیک است. علاوه بر این، احتمالاً این خدمات دربر گیرنده خدمات مورد نیاز کارآفرینان فقیر (همانند اعتبارات خرد) نیز هست. دامنه شمول خدمات ILO مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی در بادی امر، گسترش بازار و تغییر ندادن آن از طریق ایجاد رقابت ناعادلانه برای تولیدکنندگان خصوصی است. □

منبع:

Poverty reduction through Small enterprises
paulrandenberg ILO

فرهنگ قوی‌تر نیازمند آن است که در میان کسانی که کارآفرین نیستند پیشرفت کند یا آن که آنها را برای شاغل شدن و درک این فرهنگ و پشتیبانی از آن تشویق نماید. جوانان، گروه هدف مهمی در این مقوله هستند. چرا که جوانان می‌توانند تشویق شوند که درباره فعالیت‌های اقتصادی خود به عنوان یک گزینه در مسیر شغلی و ترکیب آن با مهارت‌های تکنیکی فکر کنند. ارتقای چنین فرهنگی از طریق آموزش و سیستم آموزشی می‌تواند مؤثر باشد. علاوه بر این، فقیران بیکار باید در فعالیت‌های اقتصادی که خود خلق کرده‌اند به عنوان ابزاری برای گریز از فقر دقت کنند. در مرحله بعد کارکنان بخش عمومی باید درک کنند که کارآفرینان چگونه کار کرده و اثرات مثبتی بر رفاه جامعه دارند. کارمندان دولتی باید درک کنند که جلوگیری از فعالیت کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال را کاهش خواهد داد. در برخی کشورها بازارها برای چندین سال محدود شده بودند و فعالیت خلق پول از طریق بنگاه‌های خصوصی منع شده بود یا آن که نسبت به آن بدبینی وجود داشت. برای فائق آمدن بر این پیشینه، پیشرفت فرهنگی مناسب مورد نیاز است تا کارآفرینی، پذیرش اجتماعی به دست آورد.

ILO-5 گسترش بازاریابی کارا به منظور تحقق اعتبارات و خدمات فعالیت‌های اقتصادی را فعال خواهد کرد.

گرایش به خدمات مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی به طور قابل ملاحظه‌ای نسبت به سال‌های گذشته گسترش و تقویت یافته است. در حال حاضر تأکید بر فرایندهای بازار محور و تولید کنندگان خصوصی است. در یک

